

 DOCUMENTS IN SAFE

285

285

Case No. 167Date of filing: 11-1-1993

** AWARD - Type of Award Award
- Date of Award 11 Jan 1993
_____ pages in English 79 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

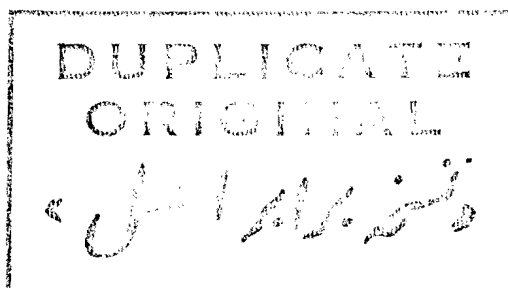
** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

AWARD

Case No. 167
Chamber Three



پرونده شماره ۱۶۷

شعبه سه

حکم شماره ۵۳۹-۱۶۷-۳

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	11 JAN 1993
	۱۳۷۱ / ۱ / ۲۱ تاریخ

آناکاندا - ایران، اینکوپوریتد،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران و

شرکت ملی صنایع مس ایران،

خواندگان.

English version
Filed on <u>29 OCT 1992</u>
<u>۱۳۷۱ / ۸ / ۲۹</u> نسخه انگلیسی در دسترس
ثبت شده است.

حکم نهایی

حاضران

از طرف خواهان :

آقای پی . جی . بروفی

وکیل و نماینده آناکاندا - ایران، اینکوریپوریتد،

آقای چارلز تورم

آقای ویلیام کریسل

آقای اریک لفریتی

آقای فرنک مکورمک

آقای هنری پیچ

وکلاي خواهان،

آقای دیوید روزنزواگ

دستیار وکیل،

آقای تد ویتکم

آقای رابرت تمپس

آقای استیو ویک

شهود.

از طرف خواندگان :

آقای محمد کریم اشراق

نماینده رابط دولت

جمهوری اسلامی ایران،

آقای دکتر نعمت مختاری

آقای عبدالمجید عقیقی

مشاوران حقوقی نماینده رابط

دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای مرتضی روحی پور

دستیار مشاوران حقوقی نماینده

رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای دکتر حسین صفایی

وکیل و نماینده شرکت

ملی صنایع مس ایران،

آقای محمود شیری

آقای داریوش دانشگری

آقای میرجلال الدین همایونفر

آقای بهرام فتحعلی

نمایندگان شرکت ملی

صنایع مس ایران،

آقای دکتر محمد اشتری

آقای دکتر بهروز امیرمعینی

وکلا شرکت ملی صنایع

مس ایران،

آقای دکتر محمدعلی مهدویانی

آقای دکتر محمدرضا عسگری

آقای قادر نبوی علمداری

آقای سباستین بیانگاردی، دارای دیپلم مهندسی

آقای حمید منظم تبریزی

آقای محمدتقی نائینی

شهود.

سایر حاضران :

آقای تیموتی ریمیش نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

فهرست مندرجات

<u>شماره بند</u>	
۱	اول - مقدمه
	دوم - جریان رسیدگی
۶	(الف) - سابقه امر
۱۰	(ب) - لایحه بعد از استماع خوانده
	سوم - صلاحیت
۱۴	(الف) - موضوع ادعاهای متقابل
۱۹	(ب) - طرف های ضروری در دعوی
۲۲	(ج) - نتیجه گیری
	چهارم - ماهیت
	(الف) - واقعیات و اظهارات
۲۳	(۱) قرارداد کمکهای فنی
۲۹	(۲) خوانده
۴۳	(۳) خواهان
۵۷	(ب) - یافته های دیوان
۱۲۰	پنجم - پرداخت
۱۲۲	ششم - هزینه های داوری
۱۲۵	هفتم - حکم

اول - مقدمه

۱- در تاریخ چهارم مهرماه ۱۳۵۱ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۲]، خواهان، آناکاندا-ایران، اینکوریپوریتد ("آناکاندا") قراردادی تحت عنوان "قرارداد کمکهای فنی" ("قرارداد") با شرکت معادن مس سرچشمه کرمان، سلف خوانده، شرکت ملی صنایع مس ایران ("صنایع مس" یا "خوانده") منعقد نمود. طبق قرارداد مذکور، آناکاندا متعهد بود در رابطه با توسعه، ساختمان و بهره برداری از یک معدن مس روباز (open cast copper mine) و تأسیسات و کارخانه ذوب (smelter) مربوطه در منطقه سرچشمه واقع در ایران، کمکهای فنی در اختیار صنایع مس قرار دهد. در ازای کمکهای مذکور، آناکاندا حق داشت هزینههای متحمل را پس بگیرد و حق الزحمه معینی دریافت نماید.

۲- در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۱] آناکاندا دادخواستی علیه صنایع مس و دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران") ثبت و مبلغ ۱۱،۱۹۰،۷۶۸/۵۰ دلار * به علاوه بهره و هزینههای داوری مطالبه کرد، به این علت که صنایع مس مبالغی را که به موجب قرارداد قابل پرداخت بوده، نپرداخته است. در تاریخ دهم شهریور ماه ۱۳۶۱ [اول سپتامبر ۱۹۸۲] صنایع مس دعاوی متقابلی ثبت و مبلغ ۱،۱۴۰،۱۳۲،۸۷۵/۰ دلار بابت خسارات ناشی از نقض ادعایی تعهدات قراردادی از طرف آناکاندا مطالبه نمود و در تاریخ ۳۱ مرداد ماه ۱۳۶۲ [۲۲ اوت ۱۹۸۳] مبلغ خواسته خود را به ۲،۰۶۵،۸۶۵،۲۲۹/۰ دلار افزایش داد. در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۳ [چهارم فوریه ۱۹۸۵] صنایع مس ادعای متقابل دیگری به مبلغ ۶،۸۱۴،۴۶۳/۰۸ دلار بابت مالیات و حقوق بیمههای اجتماعی معوقه اقامه کرد.

* منظور از کلیه مبالغ دلاری مورد اشاره در حکم حاضر، دلار آمریکاست.

۳- در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶] دیوان در پرونده حاضر یک قرار اعدادی صادر کرد. بنگید به: قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵ مورخ ۱۹ آذر ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶] در پرونده آناکاندا - ایران، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 13 Iran-U.S. C.T.R. 199 ("قرار اعدادی") و در آن نظر داد که فرا خواندن کارکنان آناکاندا در ژانویه ۱۹۷۹ به علت شرایط فورس ماژور حاکم در ایران در آن زمان قابل توجیه بوده، و مضافاً آنکه فسخ قرارداد توسط آناکاندا در تاریخ دهم خردادماه ۱۳۵۸ [۳۱ مه ۱۹۷۹] به علت اینکه صنایع مس مبالغ معینی را به وی پرداخته بود، قابل توجیه بوده است. دیوان با اعلام این نظر که عدم پرداخت مطالبات مذکور نقض اساسی قرارداد محسوب می‌شود، مبلغ ۱۰،۳۱۶،۳۱۳/۰۷ دلار به علاوه بهره، بابت ادعای خواهان به نفع وی حکم داد. لیکن انجام تعهد پرداخت از ناحیه صنایع مس موکول به تعیین تکلیف نهایی ادعاهای متقابل توسط دیوان گردید.

۴- تعیین تکلیف نهایی ادعاهای متقابل، موضوع حکم نهایی حاضر است. قرار اعدادی حاوی یافته‌هایی راجع به ادعاهای متقابل است که عمدتاً به دو موضوع صلاحیت و قابلیت پذیرش ادعاهای متقابل مربوط می‌شود. دیوان نظر داد که قابلیت پذیرش ادعاهای متقابل طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی و قطع نظر از وجود مفاد قراردادی مبنی بر تحدید حق طرفین به اقامه ادعاهای متقابل، تعیین می‌شود. دیوان مضافاً نظر داد که هیچ بخشی از ادعاهای متقابل به علت اینکه میزان آن از مبلغ ادعای اقامه شده در این پرونده تجاوز می‌کند، غیرمجاز محسوب نمی‌شود. دیوان همچنین نظر داد که ادعاهای متقابل صنایع مس به موقع اقامه شده‌اند، بجز ادعای مربوط به پرداخت مالیاتها و حقوق بیمه‌های اجتماعی که به نظر دیوان خارج از موقع تسلیم شده و در نتیجه غیر مجاز بوده‌اند. و بالاخره، دیوان رسیدگی به بقیه اعتراضات اقامه شده علیه پذیرش ادعاهای متقابل را به رسیدگی ماهوی آنها منضم نمود.

۵- بنابراین در حکم نهایی حاضر، دیوان این اعتراضات باقیمانده را در قالب تحلیل خود از ماهیت ادعاهای متقابل مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنانکه در قرار اعدادی نظر داده شد، دیوان عرف بازرگانی را اعمال خواهد کرد و اصول حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل را مرعی خواهد داشت.

دوم - جریان رسیدگی

(الف) - سابقه امر

۶- به دنبال صدور قرار اعدادی، دیوان به موجب دستور مورخ ۱۹ اسفند ماه ۱۳۶۵ [۱۰ مارس ۱۹۸۷]، برنامه‌ای برای تسلیم لوایح طرفین درباره کلیه موضوعاتی که در قرار اعدادی رسیدگی نشده بود، مقرر نمود. صنایع مس در تاریخ ۲۶ خرداد ماه ۱۳۶۶ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۷] و آناکاندا در تاریخ پنجم شهریور ۱۳۶۶ [۲۷ اوت ۱۹۸۷] لوایح خود را تسلیم کردند. در تاریخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۶۶ [ششم نوامبر ۱۹۸۷] طرفین لوایح معارض خود را تسلیم نمودند.

۷- در تاریخ دوم آذرماه ۱۳۶۶ [۲۳ نوامبر ۱۹۸۷] جلسه استماع پرونده برگزار شد.

۸- در تاریخ دوم دیماه ۱۳۶۶ [۲۳ دسامبر ۱۹۸۷] صنایع مس نسخه‌ای از گزارشی تحت عنوان "مطالعات بررسی امکان" که توسط آناکاندا تهیه شده بود، تسلیم نمود. [گزارش توجیهی" یا "مطالعات توجیهی"] بنگريد به: بند ۲۵ زیر. در تاریخ ۲۳ دی‌ماه ۱۳۶۶ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۸] خواهان از دیوان درخواست کرد که این لایحه بعد از استماع را رد نماید. دیوان طی دستور مورخ ۱۵ بهمن ۱۳۶۶ [چهارم فوریه ۱۹۸۸] به طرفین اطلاع داد که راجع به قابلیت پذیرش سند مذکور بعداً تصمیم خواهد گرفت. بنگريد به: بندهای ۱۰ تا ۱۳ زیر.

تهیه کنندگان آن بخش‌ها را به عنوان شاهد نخواهد داشت."

۱۲- بطوریکه دیوان قبلا "خاطر نشان نموده، ملاحظاتی از قبیل رعایت مساوات بین طرفین و اجتناب از تضییع حق و اختلال در روند داوری، دیوان را واداشته است که از پذیرش لوایح غیرمجازی که بعد از جلسه استماع به ثبت می‌رسند، امتناع نماید. گرچه دیوان در مواردی به طرفی اجازه داده که در پاسخ به ادله جدیدی که طرف دیگر در جلسه استماع یا بلافاصله پیش از آن ارائه کرده، بعد از جلسه استماع لایحه‌ای ثبت نماید، اما موکداً اعلام کرده که دادن اجازه ثبت لوایح بعد از استماع، اقدامی غیرمستعارف و مستلزم وجود اوضاع و احوال استثنایی است. بند ۶۷ حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ مورخ ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷]، در پرونده هریس انترنشنال تله‌کامیونیکیشنز، اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 31, 49 Iran - U.S. C.T.R. 17 و پرونده‌های منقول در آن.

۱۳- به عقیده دیوان، دلایلی که خواننده اقامه کرده حاکی از وجود چنین اوضاع و احوال استثنایی نیست. هیچ عاملی نمی‌توانسته صنایع مس را از ارائه تمامی گزارش توجیهی ظرف برنامه زمانی تعیین شده توسط دیوان باز دارد. قصور صنایع مس در تسلیم به موقع آن، خواهان را از فرصت پاسخگویی محروم نموده است. در نتیجه، دیوان طبق رویه معمول خود، لایحه صنایع مس را که خارج از موعد مقرر به ثبت رسیده، غیر قابل پذیرش اعلام و ضمناً اضافه می‌کند که تصمیم مزبور مانع از آن نیست که دیوان نظرات طرفین را در مورد گزارش توجیهی به شرح مندرج در لوایح آنان، مورد توجه قرار دهد.

سوم - صلاحیت

(الف) - موضوع ادعاهای متقابل

۱۴- بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی از جمله مقرر می‌دارد که دیوان اختیار دارد درباره "هرگونه ادعای متقابل ناشی از قرارداد فیما بین ، معامله یا پیش آمدی که مبنای ادعای [اصلی] باشد" اتخاذ تصمیم نماید. طبق اظهار خواهان ، ادعاهای متقابل صنایع مس، در چهارچوب آن معیار صلاحیتی قرار نمی‌گیرد.

۱۵- طبق قرارداد کمک‌های فنی ، آناکاندا ملزم بود در رابطه با توسعه ، ساختمان و بهره‌برداری از پروژه مس سرچشمه کمک‌های فنی ارائه کند. بخشی از این کمک‌ها بررسی قابلیت توجیه پروژه از لحاظ فنی و اقتصادی بود. خواهان خاطرنشان می‌کند که ساختمان واقعی پروژه به عهده شرکت دیگری، یعنی پارسونز - جوردن اینترنشنال کورپوریشن ("پارسونز- جوردن") بود که به عنوان پیمانکار اصلی ، طبق قرارداد جداگانه‌ای با صنایع مس همکاری داشت و قرارداد آن با ضمانت نامه‌ای که شرکت مادر وی ارائه کرده بود، تضمین می‌شد. خواهان اظهار می‌دارد که علاوه بر آن، چندین پیمانکار مستقل ایرانی نیز دست اندرکار پروژه بودند. خواهان اضافه می‌کند که طبق قرارداد، وی ملزم بود گزارش توجیهی را براساس اطلاعاتی که قرار بود خواننده تأمین کند، به ویژه یک گزارش توجیهی مفصل که یک شرکت معدنکار انگلیسی بنام سلکشن تراست ("اس تی") تهیه کرده بود، تنظیم نماید.

۱۶- خواهان استدلال می‌کند که با توجه به درگیری این اشخاص ثالث، هدف واقعی ادعاهای متقابل صنایع مس، قرارداد منعقد با آناکاندا نبوده، بلکه قرارداد تهیه گزارش توجیهی با اس تی، قراردادهای ساختمانی با پارسونز- جوردن و پیمانکاران مستقل ایرانی و بالاخره، ضمانت نامه شرکت مادر پارسونز- جوردن است. ادعاهای متقابل مربوط است به کلیه خسارات ادعایی وارده به صنایع مس در یک معامله

پیچیده چند طرفه که آناکاندا تنها یک طرف آن بوده است. براین اساس، خواهان استدلال می‌کند که امکان ندارد ادعاهای متقابل صنایع مس فقط و فقط از قرارداد مشخص و محدودی که شرکت مزبور با خواهان داشت ناشی شده باشد. حال آنکه، ادعای آناکاندا در پرونده حاضر منحصراً "بر اساس قرارداد است. بنگرید به: بند ۱۲ قرار اعدادی. در نتیجه، خواهان استدلال می‌کند که ادعاهای متقابل مطروح علیه وی، با شرط مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی منطبق نمی‌باشد.

۱۷- پاسخ خواننده اینست که ادعاهای متقابل وی صرفاً "بر اساس طرز کار آناکاندا طبق قرارداد است و مضافاً استدلال می‌کند که گزارش توجیهی جزء لاینفکی از آن قرارداد را تشکیل می‌دهد. علاوه براین، صنایع مس استدلال می‌کند که ادعاهای متقابل وی در هر حال از همان معامله کلی ناشی می‌شود که ادعای اقامه شده توسط آناکاندا از آن به وجود آمده و در نتیجه، مطابق با ضابطه صلاحیتی مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی است.

۱۸- دیوان نظر می‌دهد که تاکید استدلال خواهان بر موضوعات علیت و سببیت است و نه صلاحیت. اینکه اشخاص ثالث مسئولیتی بابت خسارات ادعایی خواننده دارند یا خیر، مسأله‌ای است که باید در چهارچوب ماهیت ادعاهای متقابل رسیدگی شود. با توجه به حدود وظایف آناکاندا طبق قرارداد و از جمله، مفاد قرارداد در رابطه با گزارش توجیهی، دیوان متقاعد شده است که رابطه بین ادعاهای متقابل صنایع مس و معامله موضوع قرارداد، این نتیجه‌گیری را توجیه نمی‌کند که ادعاهای متقابل باید به لحاظ فقد صلاحیت رد شوند.

(ب) - طرفهای ضروری در دعوی

۱۹- خواهان استدلال می‌کند که برای آنکه دیوان تشخیص دهد که آیا آناکاندا نسبت به

وظایف سرپرستی خود در قرارداد تخلفی کرده یا خیر (بافرض اینکه قرارداد شامل چنین وظایفی بوده باشد)، لازم است تعیین کند که آیا پارسونز- جوردن و پیمانکاران ایرانی کارهای محوله را بخوبی انجام داده‌اند یا خیر. به همین گونه، خواهان استدلال می‌کند که تا حدی که صنایع مس آناکاندا را مسئول خسارات ادعائی ناشی از به‌روز کردن گزارش توجیهی تهیه شده توسط اس تی می‌داند، دیوان باید تعیین کند که خسارات مزبور تا چه حد از کار پارسونز- جوردن ناشی می‌شده است، زیرا صنایع مس به خواهان دستور داده بود که آن گزارش را مبنای کار قرار دهد. لیکن چون این شرکتها طرف ادعاهای متقابل نیستند، مسئولیت دفاع از کیفیت کار آنها تماما بر دوش آناکاندا قرار می‌گیرد. خواهان با اظهار اینکه چنین چیزی بی عدالتی آشکار نسبت به وی محسوب می‌شود، می‌گوید که غیبت طرفهای ضروری در دعوی باید موجب شود که دیوان ادعاهای متقابل را رد کند.

۲۰- صنایع مس استدلال می‌کند که برای بررسی ادعاهای متقابل وی، حضور اشخاص ثالث ضرورت ندارد. وی می‌گوید که اس تی گزارش بررسی را برای یک شرکت خصوصی، یعنی شرکت مس کرمان تهیه کرده بود که وی با آن هیچگونه رابطه حقوقی نداشت. خواننده مضافاً می‌گوید که موضوع و مدت و شرایط قرارداد وی با پارسونز- جوردن با مفاد قرارداد کمکهای فنی کاملاً متفاوت بود. طبق اظهار صنایع مس، ادعاهای متقابل وی صرفاً در رابطه با نحوه کار آناکاندا طبق قرارداد مذکور است که گزارش توجیهی آناکاندا جزء لاینفکی از آن را تشکیل می‌دهد.

۲۱- با آنکه آناکاندا، پارسونز- جوردن، پیمانکاران ایرانی و اس تی طبق شرایط خاص قراردادهای جداگانه منعقد با صنایع مس عمل می‌کردند، بدیهی است که کار آنها در این معامله پیچیده چند طرفه، با یکدیگر ارتباط متقابل داشته است. با توجه به این واقعیت که گزارش توجیهی و کمکهای فنی که قرار بود توسط آناکاندا ارائه شود، به کل پروژه مربوط می‌شده، به نظر دیوان منطقی است آناکاندا ملزم گردد

که در مقابل ادعای قصور در انجام وظیفه از خود دفاع کند. از آنجا که آناکاندا به طور کلی تعهد داشت در رابطه با انواع متعدد کارهایی که اشخاص ثالث انجام می دادند کمک کند، منطقاً از وی انتظار می رود که بتواند کارهای مزبور را تا حدی که به ادعاهای راجع به طرز کار وی مربوط می شود، مورد بحث قرار دهد. بدین ترتیب، با آنکه غیبت سایر واحدهای دست اندرکار در پروژه می تواند عاملی در تحلیل مسایل موضوعی فیصله نیافته، باشد به عقیده دیوان موجب عدم احراز صلاحیت نمی گردد.

(ج) - نتیجه گیری

۲۲- نتیجه آنکه، براساس ملاحظات مندرج در قراراعدادی و نیز در حکم نهایی حاضر، دیوان معتقد است که نسبت به ادعاهای متقابل صلاحیت دارد. همانطور که قبلاً تصمیم گرفته شد، دیوان سایر اعتراضات مربوطه را که آناکاندا اقامه کرده در چهارچوب رسیدگی ماهوی ادعاهای متقابل بررسی خواهد کرد. بنگرید به: بندهای ۹۰ و ۱۲۰، قراراعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵، چاپ شده در: 13 Iran - U.S.

C.T.R. at 221, 229.

چهارم - ماهیت

(الف) واقعیات و اظهارات (۱)

۱- به بخش های چهارم - الف و چهارم - ب قراراعدادی نیز مراجعه شود.

(۱) قرارداد کمکهای فنی

۲۳- در ماده ۲ قرارداد کمکهای فنی، تعهداتی که آناکاندا در ازاء دریافت حق الزحمه و پس گرفتن هزینه‌ها به عهده گرفت، معین شده است. وظیفه اصلی آناکاندا عبارت بود از تأمین "اطلاعات فنی و کمکهای فنی ... برای طراحی، ساختمان، آماده کردن تأسیسات برای تولید تجارتي و بهره برداری و نگهداری پروژه با هدف اینکه تا حد امکان برطبق مطالعات [توجیهی] ساخته و بهره برداری خواهد شد". همچنین قرار بود آناکاندا یک برنامه آموزشی برای پرسنل ایرانی مسوول بهره‌برداری از تأسیسات، تنظیم نماید. طبق قرارداد، خواهان مضافاً ملزم بود کهگاه به تقاضا و تصویب صنایع مس کارکنانی در اختیار آن شرکت قرار دهد. این افراد می‌بایست در کلیه رشته‌های لازم از امور فنی گرفته تا اداری، تخصص داشته باشند و بطور تمام وقت در پروژه کار کنند.

۲۴- طبق ماده ۳ قرارداد، بالاترین مقام از میان کارکنان مأمور آناکاندا، مدیر داخلی بود. مسئولیتهای وی شامل وظایفی بود که باید توسط کارکنان مأمور به انجام می‌رسید. علاوه بر آن، مدیر داخلی می‌بایست در مورد انتخاب پیمانکاران کل و جزء، صدور گواهینامه‌های قبولی نهایی برای پیمانکار کل، ابراء نهایی وی و پرداخت به وی، پیشنهاداتی برای تصویب مدیر عامل شرکت مس ارائه نماید.

۲۵- طبق ماده ۲، آناکاندا همچنین مکلف بود "قبل از آغاز ساختمان تأسیسات، یک گزارش [توجیهی] براساس مطالعه، بازرسی و ارزیابی کلیه اطلاعات قبلی که صنایع مس در اختیار آناکاندا گذاشته بود و همچنین اطلاعات دیگری که آناکاندا برای تجزیه و تحلیل [قابلیت توجیه] طرح ضروری تلقی نماید"، ارائه کند. قرار بود گزارش توجیهی بدون تأخیر غیرموجه آماده و تسلیم صنایع مس شود و شامل "ارزیابی فنی و اقتصادی طرح" باشد. صورتی از مواردی که باید در گزارش مذکور بررسی

می‌شود، در این ماده آمده است، بدین شرح : "برآورد تولید، ظرفیت طرح، کیفیت و هزینه ساختمانی و بهره برداری از تاسیسات با ذکر جزئیات کافی برای تهیه اطلاعات مربوط به تعیین گزارش سود یا زیان تخمینی" و نیز "سایر اموری که برای طرح خاص موضوع قرارداد منطقاً لازم باشد. در ماده ۲ مضافاً مقرر شده است که "آناکاندا از اطلاعات قبلی که توسط صنایع مس در ارتباط با گزارش [توجیهی] طرح در اختیار گذاشته شده استفاده خواهد کرد و کارهایی را که قبلاً برای صنایع مس انجام شده و نتایج آن را صنایع مس در اختیار آناکاندا قرار داده تکرار نخواهد کرد، مگر آنکه چنین کاری را لازم بدانند."

۲۶- طبق همین ماده ، آناکاندا تعهد کرد که وظایف مندرج در قرارداد را با "حزم و درستی و با چنان جدیتی انجام دهد که گویی یگانه صاحب ملک و تاسیساتی است که باید در آن ارتباط ساخته شود ." خواهان ملزم بود "منافع صنایع مس را در نظر گرفته و از بهترین روشهای شناخته شده در صنعت مس که برای این قرارداد و این طرح مناسب است و آناکاندا از آن مطلع می‌باشد استفاده نماید." در عین حال، ماده ۲ تصریح داشت که آناکاندا هیچگونه تعهدی در وصف یا تضمین نسبت به "ملک، تاریخ اتمام، سودمندی یا کفایت وسایل، ماشین آلات ، کارخانه یا پروسه، میزان تولید، بازده معدن یا نتایج دیگر بهره برداری از تاسیسات نمی‌کند و ندارد."

۲۷- در ماده ۳ مقرر شده است که: "مجمع عمومی و هیئت مدیره صنایع مس از طریق مدیر عامل قدرت و اختیار و مسئولیت طرح و سایر امور صنایع مس را عهده دار است." ماده مزبور مضافاً مقرر می‌دارد که " مدیر داخلی باید به مدیر عامل گزارش دهد و از دستورات او پیروی نماید." لیکن صنایع مس موافقت کرد که قدرت و اختیار لازم را به مدیر داخلی تفویض کند "تا وی بتواند وظایف خود را به نحو موثر و کارآمد و سریع و طبق اصول صحیح و عموماً پذیرفته شده در عرف تجاری ایفا نماید." در ماده ۸ کلیه خدماتی که صنایع مس باید ارائه می‌کرد فهرست وار ذکر

شده و طبق آن خواننده مضافاً متعهد بود "کلیه امکانات و تسهیلات کافی دیگری را که در ارتباط با طرح یا عملیات آناکاندا بر طبق قرارداد ضروری باشد تأمین نماید تا آناکاندا و کارکنان آن بتوانند وظایف خود را انجام دهند". طبق ماده ۲، چنانچه قصور صنایع مس در پیروی و اجرای پیشنهادات معقول آناکاندا، به طور اساسی مزاحم اجرای تعهدات شرکت اخیر می‌شود، آناکاندا در حد مزاحمت ایجاد شده و طی مدت مربوطه، از تعهدات مندرج در این قرارداد معذور می‌بود.

۲۸- در ماده ۹ قرارداد، شرایط و آثار فسخ قرارداد کمک‌های فنی تصریح و قید شده است که اگر هر یک از طرفین قرارداد را نقض نماید، طرفین مکلف هستند با حسن نیت به رفع آن [تخلف] بکوشند. لیکن اگر یکی از طرفین معتقد باشد که تخلف عمده‌ای به مدت ۹۰ روز پس از اعلام آن به طرف دیگر رفع نشده، هر یک از طرفین حق دارد به ترتیبات داوری که در قرارداد معین شده، متوسل گردد.

همچنین بنگرید به: بند ۳۱، قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵ چاپ شده در: 13 Iran - U.S. C.T.R. at 207 - 08

(۲) خواننده

۲۹- خواننده ادعا می‌کند که آناکاندا در انجام تعهدات خود در قرارداد کمک‌های فنی، مرتکب تقصیر سنگین شده و بدان طریق، خسارات سنگینی به صنایع مس وارد آورده است. این خسارات ادعایی ماهیتاً دو وجه دارد: یکی اینکه آناکاندا در تهیه گزارش توجیهی مرتکب اشتباهاتی شده و دیگر اینکه بر کار پیمانکاران دست اندرکار پروژه نظارت صحیح انجام نداده است. در نتیجه، صنایع مس استدلال می‌کند که آناکاندا مسئول کلیه خساراتی است که خواننده متحمل شده است.

۳۰- طبق اظهار صنایع مس، گزارش توجیهی، اساس اجرای تمامی پروژه بود و خواننده "صرفاً" با اتکاء به برآوردهای فنی و اقتصادی آناکاندا که همیشه ادعا می‌کرد که در جهان سرآمد دیگران است، سرمایه‌گذاری کرد. صنایع مس خاطرنشان می‌کند که طبق قرارداد کمکهای فنی آناکاندا ملزم بود وظایف خود را "با حزم و درستی" و "با چنان جدیتی انجام دهد که گوئی یگانه صاحب ملک است." به نظر خواننده، بدیهی است که آناکاندا طبق این ضابطه عمل نکرده است. حتی اگر قرار بود آناکاندا گزارش توجیهی تهیه شده توسط اس تی را مورد استفاده قرار دهد، بازهم باید اطلاعات مندرج در آن را واری و از کلیه اطلاعات دیگری نیز که لازم می‌دانست استفاده می‌کرد. مهمترین نقایصی که خواننده عنوان می‌کند مربوط است به انتخاب سیستم ذوب انعکاسی به جای کارخانه ذوب فلاش، بررسی ناقص در مورد سیستم زهکشی آبهای سطحی، اشتباهات مربوط به ساختمان و انتخاب محل سد رسوبگیر، برآوردهای نادرست از لحاظ زلزله‌شناسی و اشتباه در پیش‌بینی هزینه‌های طرح.

۳۱- صنایع مس در تایید اظهار خود مبنی بر اینکه آناکاندا موظف بود بر کار پیمانکاران نظارت کند، چند دلیل اقامه می‌کند. خواننده اظهار می‌دارد که طبق بند (۶) ماده ۲/۱ قرارداد کمکهای فنی، آناکاندا تعهد کرده بود "سایر اموری را که برای طرح خاص موضوع این قرارداد منطقی" لازم است عهده‌دار شود. صنایع مس مضافاً خاطرنشان می‌کند که ماده ۳ قرارداد، مدیر داخلی مأمور از طرف آناکاندا را مسئول اجرای تعهدات آناکاندا می‌ساخت و وی را در موقعیتی قرار می‌داد که بتواند پیشنهادات لازم را برای انتخاب پیمانکاران و پرداخت به آنها ارائه دهد. بر این اساس، صنایع مس استدلال می‌کند که مدیر داخلی منتخب آناکاندا نقش اساسی در اجرای پروژه داشته‌است. و بالاخره خواننده اظهار می‌دارد که وی به عنوان کارفرما فاقد هر گونه تخصص و تجربه در صنعت مس بوده است. طبق اظهار صنایع مس، ملاحظات فوق ثابت می‌کند که آناکاندا در موقعیت بسیار مستحکمی بود تا

بتواند پروژه را اداره و کار [پارسونز- جوردن] را نظارت کند.

۳۲- خواننده اظهار می‌دارد که اهمال خواهان در تهیه گزارش توجیهی و عدم نظارت کافی بر کار پیمانکاران بود که مانع شد پروژه در تاریخ مقرر تکمیل شود، و میزان هزینه آن را از ۴۳۱/۰ میلیون دلار به بیش از یک میلیارد دلار (۲) افزایش داد و موجب پیدایش مشکلات فنی متعدد شد. خواننده در تایید اظهارات فوق ادله‌ای مقارن با زمان اجرای قرارداد ارائه نکرده و به جای آن، پنج فقره گزارش کارشناسی تسلیم نموده که به درخواست وی در فاصله سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ تهیه شده و عمدتاً "حاوی نقایص ادعایی و علل پیدایش آنهاست."

۳۳- گزارش اول توسط دو مهندس به اسامی ام. کلمنت و ئی. کلوسل تهیه شده است (۳). در این گزارش، موقعیت معدن از لحاظ کانسار و معدن مس روباز، کارخانه تغلیظ، ذخایر آب، دفع و تخلیه باطله و سد رسوبگیر، کارخانه ذوب و شرایط ساختمانها تشریح گردیده است. در مورد موضوع اول، در گزارش نتیجه‌گیری شده که بررسی‌های زمین شناسی و کانه آرائی معدنی کافی نبوده و به ویژه، نارسائیهای از لحاظ ترکیب و وضعیت هیدرولوژی ذخایر ذکر شده است. در مورد کارخانه تغلیظ، گر چه در گزارش تایید شده است که روش مورد انتخاب برای شکستن سنگ متناسب با آخرین تکنیک صنعت است، طراحی و ساختمان یکایک اجزا حسب اظهار معایب بزرگی دارد. به همین ترتیب، تهیه‌کنندگان گزارش، انتخاب روش‌ها را در آسیاب، شناورسازی مس، بخش مولیبدن، ته نشین سازی، دفع آب‌های زیرزمینی و کارخانه پخت آهک مورد سوال قرار داده‌اند.

۲- در لوابح اولیه خواننده، جمع کل، مبلغ ۶۷۱ میلیون دلار ذکر شده است.

۳- گزارش مزبور بدواً به زبان آلمانی تهیه شده بود. آناکاندا مدعی است که ترجمه انگلیسی تسلیمی خواننده حاوی مقدار زیادی عدم امانت در ترجمه است که متن را به سود صنایع مس جلوه می‌دهد و بدین لحاظ، ترجمه دیگری از آن سند ارائه کرده است.

۳۴- در گزارش اظهار شده است که عواقب برداشت آب از نظر مناطق کشاورزی و مسکونی ناحیه بررسی نشده است. سد رسوبگیر به صورتی که از ابتدا طراحی شده، حسب ادعا خطر بزرگی برای منطقه مسکونی فرودست خود ایجاد کرده و حوضچه باطله حسب اظهار، بدون توجه به آثار نزولات طبیعی طرح ریزی شده است. کلمنت و کلوسل ذکر کرده‌اند که توضیح دقیق راجع به این موضوع داده نشده است که چرا بجای سیستم کوره فلاش از سیستم ذوب انعکاسی استفاده شده و اظهار می‌دارند که هیچگونه اقدامی در قبال زیانهای وارده به محیط زیست در اثر تصاعد گاز SO_2 [اکسید گوگرد] به عمل نیامده است. و بالاخره از طراحی ساختمانهای کارگاه شدیداً انتقاد شده است. تهیه کنندگان گزارش نتیجه‌گیری کرده‌اند که "قابل فهم نیست که چرا بررسی‌های لازم درباره مقاومت و مطلوبیت فونداسیون‌ها ادا" انجام نشده و یا اگر هم شده، سطحی بوده است."

۳۵- گزارش مطالعاتی دوم که خواننده تسلیم نمود، تحت عنوان "گزارش راجع به کمک فنی، نظارت و تصمیمات نادرست" توسط مهندسی به نام سباستین بیانگاردی تهیه شده است. به عقیده وی، نمونه‌برداری معمولی برای تخمین ذخایر سنگ معدن بطور بسیار محدود انجام شده، در طراحی کانسار، تکنولوژی مبتنی بر مکانیک سنگ نادیده گرفته شده، هیچ اقدامی برای کنترل اثر آبهای زیر زمینی نشده و این کار منتج به وارد شدن صدمه به پی ریزی ساختمان و شیب حفره باز گردیده است. مضافاً عدم تخلیه آب پایه‌های عمیق تر حفره از طریق زهکشی، موجب کاهش کارآیی جریان خاکبرداری شده است، بهره‌برداری از سنگ معدن قبل از آماده شدن کارخانه تغلیظ شروع شد، و ناحیه وسیعی از سطح معدن را در معرض اکسیداسیون قرار داد. پیش‌بینی کارآیی از لحاظ متالورژی هرگز محقق نشده است. به علت نزول آب باران " طرح و نظارت نادرست بر پیمانکاران در ساختمان سد مواد زائد، سبب نفوذ آب از سد شده است"، انتخاب کوره‌های انعکاسی نادرست بوده و بالاخره [در مورد آموزش پرسنل] "به استثنای چند نفری که در جریان احداث

مجتمع آموزش داده شدند، هیچگونه آموزش دیگری به کارمندان ایرانی داده نشده است."

۳۶- براساس مطالب فوق، مهندس بیانگاردی نتیجه‌گیری می‌کند که "متأسفانه تعدادی وقایع نادرست، پیشرفت‌ها، نظارت نادرست، و نیز کمک‌های نادرست از جانب کارکنان آناکاندا روی داده است. بالنتیجه شرکت ملی صنایع مس ایران ضررهای فراوانی را به علت اقدامات نادرست آناکاندا و نیز بواسطه تاخیر در شروع تولید در حد تجاری متحمل می‌شود."

۳۷- مهندسین مشاور سازه که تهیه‌کننده سومین گزارش تسلیمی هستند، اظهار می‌دارند که از ماه مه ۱۹۸۰ به بعد، به دفعات از کارخانجات مس سرچشمه بازدید به عمل آورده و گزارشاتی در مورد خرابیهای مشاهده شده در مجتمع تهیه و ارائه نموده‌اند و نیز می‌گویند که تهیه طرحهای ترمیمی لازم برای برخی از موارد خرابی و نظارت بر اجرای آنها در واقع به سازه محول گردیده است. در گزارش سازه که عکس‌هایی همراه آنست، نتیجه‌گیری شده است که "علل عمده خرابیها طراحی نامناسب، اجرای غلط و مسامحه در نظارت بر عملیات اجرایی است."

۳۸- گزارش مزبور، مشخصاً "نقایص زیر را برشمرده‌است: نشست خاکریزها و فونداسیون‌های روی آنها، رانش و خرد شدن شیب خاکریز، شسته شدن سطوح شیب دار خاکریزها، ترک‌های گوناگون در ساختمان‌های بتونی، ریزش سنگ از سطوح بریده شده در تپه‌ها، کماتش اعضای فشاری و پارگی اتصالات اعضای کششی در ساختمانهای فولادی، نفوذ آب به داخل ساختمانها در سطوح پائین‌تر از سطح زمین، نفوذ و جمع شدن آب در کانالهای زیرزمینی کابل‌های برق و ارتباطات و حوضچه‌های بازدید مربوط به آنها، مسدود شدن آبروها و جمع شدن آب در محوطه .

۳۹- چهارمین گزارش توسط شرکت بین المللی مهندسی ایران ("ایریک") تهیه شده است که گرچه عنوان آن "بررسی فنی" است، حسب ظاهر دلالت بر تقویم خسارات مالی دارد که حسب ادعا به علت اجرای نادرست قرارداد کمک‌های فنی از طرف آناکاندا به خواننده وارد شده است. محاسبات ایریتک با اعلام این نظر آغاز شده است که آناکاندا "به گفته‌های خود در مورد مبلغ سرمایه گذاری مصروفه، مدت اجرای طرح، تاریخ شروع تولید و ظرفیت تولید نهایی" عمل نکرده است. براین اساس و بدون مستندات دیگر، در گزارش برآورد شده است که خواننده مبلغ ۲،۰۶۵،۸۶۵،۲۲۹/- دلار هزینه‌های اضافی و عدم النفع متحمل شده است.

۴۰- ایریتک اظهار می‌دارد که هزینه‌های پروژه از آغاز کار الی ۲۹ اسفند ۱۳۶۱ [بیستم مارس ۱۹۸۳] جمعا ۱،۳۵۵،۰۴۵،۶۷۰/- دلار بوده و اظهارنظر می‌کند که بدین ترتیب در مقایسه با ۴۴۵،۲۵۰،۰۰۰/- دلار برآورد اولیه، هزینه‌های صنایع مس مبلغ ۹۰۹،۷۹۵،۶۷۰/- دلار افزایش داشته است. طبق گزارش مزبور، مبلغ ۸۳۳،۰۹۷،۹۶۰/- دلار از این افزایش، قابل انتساب به واحدهای تغلیظ و ذوب، کارگاه‌ها، دفاتر کار و جاده سازی است. هزینه‌های لازم برای تکمیل پروژه، که طبق برآورد ایریتک ۴۶،۷۷۶،۳۱۶/- دلار است، باید به برآورد هزینه‌های واقعی فوق اضافه شود. بزرگترین جزء این مبلغ، یک رقم ۴۰،۷۸۹،۴۷۴/- دلاری است که بابت تبدیل یک کوره دیرذوب [انعکاسی] به کوره ذوب سریع [فلاشی] در نظر گرفته شده است. یک مبلغ ۶۱،۸۴۲،۱۰۵/- دلار دیگر نیز بابت ترمیم قسمتهای مختلف مجتمع اضافه شده است. عملیاتی که هزینه آنها فوقا برآورد گردید، عمدتا به منظور استحکام فونداسیونها و اجرای یک سیستم سد رسوبگیر و احداث بندهای بالا دست آنست.

۴۱- بزرگترین جزء ادعاهای متقابل صنایع مس بابت عدم النفع است. بنابه گفته ایریتک، تاخیرهای حاصل در تکمیل پروژه و ظرفیت تولید بسیار نازل موجب شد که صنایع مس

از سود خالصی بالغ بر ۱،۰۷۷،۴۳۴،۰۰۸/- دلار محروم شود. این رقم حسب اظهار، مابه‌التفاوت مقادیر واقعی و برآوردی مس تولید شده در هر سال از تاریخ تعیین شده برای تکمیل پروژه است، ضرب در قیمت متوسط واقعی سالانه مس در بورس فلزات لندن منهای کل هزینه‌های صنایع مس. تقریباً "ثلث این هزینه‌ها بابت استهلاک است. ایرتک ارزش مقدار سنگ معدنی را که به علت عدم تولید مورد استفاده واقع نشده، و آن را مبلغ ۳۲،۶۰۴،۰۰۰/- دلار برآورد کرده، نیز از جمع حاصله فوق کسر کرده است. و بالاخره، خسارتی به مبلغ ۲،۶۲۱،۱۳۰/- دلار بابت اکسیده شدن سنگ معدنی که قبل از شروع کار واحد تغلیظ اکتشاف شده، در گزارش ذکر گردیده است.

۴۲- پنجمین نظر کارشناسی که توسط مهندسین مشاور بندآب تهیه شده، درباره لرزه خیزی منطقه‌ای است که سد رسوبگیری در آن واقع شده است. حسب این گزارش، مطالعات انجام شده نشان داده است که گسل ناحیه‌ای مهمی در منطقه وجود دارد که مهندسین بندآب براساس آن نتیجه‌گیری کرده‌اند که سد رسوبگیر پیش از جمع آوری اطلاعات کامل احداث گردیده و ادعا شده است که در طرح آناکاندا می‌بایست رقم بالاتری برای شتاب افقی در نظر گرفته می‌شد.

(۳) خواهان

۴۳- خواهان دعاوی متقابل صنایع مس را "یک تاکتیک پوچ که بهیچوجه قابل توجیه نیست" و "سوء استفاده خودسرانه از تسهیلات قضایی که بیانیه حل و فصل دعاوی فراهم آورده" می‌داند. استدلالات خواهان در پاسخ به دعاوی متقابل را به طور کلی می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود. آناکاندا در ابتدا یک سلسله استدلالات ماهیتاً مقدماتی اقامه می‌کند که در عین حال ذاتاً "به ماهیت دعوی مربوط می‌شود. در اساس، خواهان استدلال می‌کند که صنایع مس از اقامه ادعاهای متقابل خود ممنوع

است، زیرا در زمان اجرای کار توسط آناکاندا اعتراضی به آن نکرده بود. ثانیاً خواهان با اظهار این مطلب که خواننده تعهدات قراردادی آناکاندا را کاملاً تحریف کرده، مسئولیتهای طرفهای مختلف دست اندرکار در پروژه را یادآور میشود. خواهان با تاکید بر موضوع علیت، استدلال می‌کند که "این واقعیت که پروژه ناقص مانده و هزینه تمام شده‌اش بیش از بودجه برآوردی است، بدان معنی نیست که آناکاندا اطلاعات فنی و کمک فنی را آنطور که باید ارائه نکرده است." و بالاخره آناکاندا با تسلیم گزارشات کارشناسان و ادله مستند، اظهار می‌کند که طرز کار وی کاملاً مطابق با مفاد قرارداد کمکهای فنی بوده و دراین رابطه تلویحاً می‌گوید که بیشتر اشکالات قابل انتساب به صنایع مس بوده است.

۴۴- خواهان خاطرنشان می‌کند که چکیده ادعاهای متقابل اینست که آناکاندا قرارداد کمک‌های فنی را از تاریخ انعقاد آن سال در ۱۹۷۲ نقض کرده، ولی در سوابق مطلقاً مدرکی راجع به وجود شکایتی در آن زمان وجود ندارد. صنایع مس حسب ادعا، برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ موضوع "تعهدات قراردادی" آناکاندا را اجمالاً مطرح کرد و تازه آنهم موقعی بود که در پرداخت تعهدات خود قصور کرده و اطلاعیه فسخ دریافت کرده بود. آناکاندا مضافاً نامه‌هایی از صنایع مس تسلیم کرده که طی آنها شرکت اخیر در واقع کمکهای آناکاندا را در پروژه مورد تمجید قرارداده است. خواهان به علاوه استدلال می‌کند که گرچه ماده ۷ قرارداد صنایع مس با پارسونز- جوردن پیمانکار اصلی پروژه، صراحت دارد که صنایع مس انتظار افزایش هزینه‌ها را داشته و حق خود را محفوظ نگهداشته بود که پارسونز- جوردن را مسئول بداند و نه آناکاندا را، با اینحال خواننده کلیه موارد تجدید نظر در برآوردهای هزینه را که پارسونز- جوردن پیشنهاد کرده بود، تصویب کرد. خواهان نتیجه‌گیری می‌کند که این قصور صنایع مس در اعتراض به موقع، نه تنها اعتبار اظهارات صنایع مس را سست می‌کند، بلکه مانع می‌شود که وی سالها بعد دعاوی متقابل اقامه کند. به علاوه، چون تعهد پرداخت ماهانه از طرف صنایع مس طبق

قرارداد کمک‌های فنی، به وی فرصت فراوان می‌داد تا به عنوان اعتراض به کیفیت کار آناکاندا از پرداخت به وی امتناع کند، پرداخت به آناکاندا قاعدتا باید اماره قاطعی بر رضایت از طرز کار خواهان محسوب شود.

۴۵- آناکاندا مضافاً خاطر نشان می‌سازد که طبق ماده ۹ قرارداد کمک‌های فنی، طرف مدعی تخلف مکلف بود به طرف دیگر اخطار بدهد تا طرف اخیر بتواند تخلف خود را برطرف کند. در صورتی که تخلف، رفع نشده ادامه می‌یافت، طرفین حق داشتند برای فسخ قرارداد کمک‌های فنی و پرداخت خسارت، متوسل به داوری شوند. آناکاندا استدلال می‌کند که قصور خوانده در دادن اخطار رسمی و تصریح وجود هر یک از موارد تخلفی که اکنون مدعی آنست، وی را از فرصت اصلاح و ترمیم نواقص ادعایی محروم نموده است. علاوه براین، خوانده با ترغیب آناکاندا به ادامه کار، به تکلیف منصفانه‌ای که از لحاظ کاهش خسارات داشته عمل نکرده است. خواهان می‌گوید که نباید به صنایع مس اجازه داده شود براساس اعتراضاتی اقامه ادعاهای متقابل کند که اگر صحت می‌داشت، در همان بدو ایجاد، کاملاً کافی برای فسخ قرارداد کمک‌های فنی می‌بود.

۴۶- آناکاندا مضافاً استدلال می‌کند که این واقعیت که دیوان مقید به هیچ گونه مقررات رسمی مرور زمان نیست، از ارتباط و مناسبت اصول مبنای این مفهوم نمی‌گاهد. اصول مذکور عبارتند از: تشویق طرفین به درخواست رسیدگی به موقع به شکایات خود، اطمینان از اینکه ادله ارائه شده به سبب قدمت غیرقابل اطمینان نباشند، و جلوگیری از اینکه "شمشیر دموکلس قضایی برای همیشه در بالای سر طرف مخالف آویزان باشد". به نظر خواهان، بین زمانی که خوانده می‌بایست از مشکلات ادعایی آگاه شده باشد و زمان ثبت ادعاهای متقابل وی تاخیر غیرمنطقی وجود داشته است. براین اساس، آناکاندا اظهار می‌دارد که دعوای خوانده که در سال ۱۹۷۳ ایجاد شد، باید ممنوع از رسیدگی شود.

۴۷- طبق اظهار خواهان، ادعای متقابل صنایع مس علیه آناکاندا بابت قصور ادعایی در انجام وظایفی است که بر عهده آناکاندا نبوده، بلکه بر عهده اشخاص دیگری بوده است. خواهان خاطر نشان می‌کند که پارسونز- جوردن پیمانکار اصلی مسئول طرح و اجرا و تکمیل مجتمع تغلیظ و ذوب و شرکت مادر آن، یعنی رالف ام. پارسونز کامپنی، ضامن حسن انجام کار پارسونز - جوردن بوده است. قراردادهای ساختمانی دیگری به پیمانکاران عمومی ایرانی داده شد تا شهرک، سد رسوبگیر، نیروگاه و سایر تاسیسات را طراحی و احداث کنند. آناکاندا تاکید می‌کند که نقش خود وی صرفاً جنبه مشورتی داشت و وی نه مکلف و نه در موقعیتی بود که بر کار پیمانکاران نظارت و یا پروژه را اداره کند.

۴۸- آناکاندا با نقل قرارداد پارسونز- جوردن با صنایع مس یادآور می‌شود که پارسونز- جوردن تعهد داشت "کلیه امور لازم برای طراحی، مهندسی، خرید تجهیزات، ساختمان و هماهنگی پروژه را انجام دهد." به عنوان بخشی از این وظایف، قرارداد پیمانکار اصلی را مکلف می‌کرد که "حساب کامل و مفصل کلیه هزینه های پروژه را نگه دارد" و هر گونه آزمایشات فنی را که لازم می‌داند انجام دهد ... تا مطمئن شود که کلیه کارها منطبق با الزامات قرارداد می‌باشد، نهایت کوشش خود را مبذول نماید که کارها ... منجمه کار سایر پیمانکاران و صنایع مس را هماهنگ نماید تا کارهای پروژه پیشرفت کند و طبق برنامه تنظیمی مندرج در قرارداد تکمیل شود،" صنایع مس را از "برآوردهای زمانی پارسونز- جوردن که برای تکمیل پروژه لازم است" و نیز "از هر رویدادی که به نظر پارسونز- جوردن زمان تکمیل کار را به مقدار معتنا بهی پیش برده، دچار تاخیر نموده و یا به نحوی در آن موثر است آگاه کند"، "در پایان هر دوره حسابداری در طول مدت اجرای کار، گزارشی از پیشرفت کار به صنایع مس ارائه نماید"، "برآوردی از کل هزینه پروژه"، شامل "مبالغ جداگانه برای موارد پیش‌بینی نشده منطقی و افزایش هزینه به صنایع مس تسلیم نماید." شرایط عمومی که جزء قرارداد پارسونز- جوردن محسوب می‌شد، مضافاً

وی را ملزم می نمود که نظارت مؤثر بر کارهای پروژه اعمال نماید" و "در طول مدت پیشرفت کارها، مدیر مقیم لایقی همراه با چند نفر معاون در محل کارگاه داشته باشد."

۴۹- آناکاندا همچنین ماده ۱۰ قرارداد پارسونز- جوردن را که تحت عنوان "ضمانت حسن اجرای کار" است ذکر می کند که از طریق آن، پارسونز- جوردن ضمانت کرد "با تاسیساتی که برای این پروژه تامین می شود، چنانچه صحیحاً بهره برداری و نگهداری شود، می توان ۱۴۵،۰۰۰ تن متریک در سال مس جوشدار (یا مس آنود) تولید کرد." ماده مذکور مضافاً مقرر داشته است که در صورتیکه "ثابت شود هریک از تجهیزات، وسایل و یا مجموعه ای از آنها که در پروژه نصب شده ظرفیت مقرر را ندارد... در آنصورت چنانچه خرابی مزبور قابل انتساب به پارسونز- جوردن باشد، پارسونز- جوردن باید هرگونه تغییر لازم را در پروژه انجام دهد تا نقص مذکور برطرف شود."

۵۰- آناکاندا استدلال می کند که بدین ترتیب، دعاوی متقابل صنایع مس روابط اساسی قراردادی بین طرفین را تحریف کرده است. آناکاندا نه پیمانکار اصلی بوده و نه ضامن پروژه، و مسئولیتی چه از نظر مدیریت و چه از لحاظ نظارت نداشته است. طبق مفاد قرارداد کمکهای فنی، آناکاندا مکلف به ارائه اطلاعات و کمکهای فنی بوده نه اینکه پروژه را اجرا یا تکمیل کند. چنانکه نحوه عمل طرفین نشان می دهد و طبق عرف بازرگانی، تعهدات قراردادی آناکاندا تعهدات یک معاون بوده و نه یک تصمیم گیرنده. آناکاندا استدلال می کند که صنایع مس این تعهدات را کاملاً وارونه جلوه داده است.

۵۱- آناکاندا خاطر نشان می کند که وی قرار بود کمکهای خود را در قالب سلسله مراتب تعیین شده در قرارداد کمکهای فنی عرضه کند. بدینصورت، مدیر داخلی آناکاندا صراحتاً تابع مدیر عامل صنایع مس بود که "اختیار و مسئولیت کامل پروژه را" برعهده

داشت. مدیر داخلی آناکاندا پیشنهاداتی برای تصویب مدیر عامل ارائه می‌کرد، ولی عدم ارائه چنین پیشنهاداتی طبق قرارداد، مانع نمی‌شد که مدیر عامل اقداماتی را که ضروری تشخیص می‌داد، به عمل آورد. خواهان خاطرنشان می‌کند که هماهنگ با این وضعیت، گرچه پیمانکاران ضمانت‌هایی در رابطه با پروژه می‌دادند، قرارداد کمکهای فنی مشخصاً مقرر می‌داشت که آناکاندا "هیچگونه تعهدی نسبت به ملک، تاریخ اتمام، سودمندی یا کفایت وسایل، ماشین‌آلات، کارخانه یا پروسه، میزان تولید، بازده معدن یا نتایج دیگر بهره‌برداری از تأسیسات نمی‌کند و ندارد." همچنین آناکاندا یادآور می‌شود که افزایش هزینه‌ها موضوعی بود که دقیقاً در قرارداد پارسونز-جوردن ذکر شده بود و نه در قرارداد کمکهای فنی. خواهان استدلال می‌کند که در نتیجه، آناکاندا نه تنها هیچگونه مسئولیتی از لحاظ افزایش بودجه نداشت، بلکه هر گونه افزایش حاصله مستقیماً ناشی از برآوردهای تجدید نظر شده‌ای بود که پارسونز-جوردن طبق قرارداد تسلیم می‌کرد.

۵۲- به عقیده آناکاندا، صنایع مس از شرح خسارات ادعایی به نحوی غیرمنطقی ناگهان نتیجه می‌گیرد که خواهان مسئول آن است. خواهان خاطر نشان می‌کند که گرچه در ادعاهای متقابل سعی فراوان به اثبات این مطلب شده است که صنایع مس نتوانسته از مجتمع در حد ظرفیت کامل طرح بهره‌برداری کند، اما خواننده توجه چندانی به این مساله نمی‌کند که آیا آناکاندا قانوناً مسئول این مشکلات است یا خیر و به عبارت دیگر، آیا آناکاندا اطلاعات و کمکهای فنی را آنطور که باید ارائه داده است یا خیر. خواهان می‌گوید که صنایع مس در رابطه با این موضوع اساسی سببیت، به هیچوجه از عهده اثبات ادعای خود بر نیامده است. از نظر آناکاندا، صنایع مس "صرفاً" می‌گوید که مشکلاتی در طرح مشاهده شد و آناکاندا گرچه مقصر نیست، باید مسئول شناخته شود، زیرا شخص بهتری پیدا نمی‌شود که تقصیر را به گردن او اندازند.

۵۳- خواهان اظهار می‌دارد که ادله موجود به نحو انکار ناپذیری محرز می‌نماید که آناکاندا وظایف خود را چه از لحاظ گزارش توجیهی و چه از لحاظ کمکهای فنی بخوبی ایفا کرده است. طبق اظهار آناکاندا، انتقاد صنایع مس از گزارش توجیهی متوجه کیفیت حرفه‌ای تهیه آن نبوده، بلکه بدان سبب است که صنایع مس گزارش را تضمین نتایج حاصله از کل پروژه می‌داند. لیکن خواهان یادآور می‌شود که چنین گزارش مطالعاتی موفقیت پروژه را تضمین نمی‌کند. گزارشی که بخوبی تهیه شود مشخص می‌کند که آیا اجرای پروژه از لحاظ فنی و اقتصادی امکان‌پذیر است یا خیر، ولی این بدان معنی نیست که کلیه جنبه‌های فنی و مهندسی کار کاملاً انجام شده یا اینکه هیچ مشکلات احتمالی وجود نخواهد داشت. آناکاندا یادآور می‌شود که در واقع، تحقیقات مستقل نشان داده است که تعداد کثیری از پروژه‌های بهره‌برداری از معادن با مقادیر معتناهی افزایش هزینه مواجه شده‌اند. تکلیف اصلی آناکاندا آن بود که یک روش عملی از لحاظ فنی و اقتصادی، برای توسعه و بهره‌برداری از معدن سرچشمه تعیین کند که بتواند به هدف‌های تولیدی تعیین شده توسط مدیریت صنایع مس نایل گردد.

۵۴- در تایید این اظهار آناکاندا که گزارش توجیهی الزام فوق را احراز نموده، خواهان علاوه بر شهادت نامه‌های مدیران و مهندسان دست اندر کار در پروژه، چندین گزارش حجیم کارشناسی تسلیم کرده است. اولین این گزارشها تحت عنوان "بررسی دقت یا عدم دقت لازم آناکاندا در پروژه مس سرچشمه" توسط مشاورین بر دولبر- ریورساید، اینک تهیه شده است. این گزارش که اظهارات خواهان را کلاً مورد تایید قرار داده، حاوی بررسی گزارش توجیهی آناکاندا، مقایسه پروژه سرچشمه با پروژه‌های بین‌المللی مشابه در بهره‌برداری معادن، اظهارنظرهای فنی درباره روش کلی طرح و تحلیل انتقادی گزارشهای مهندسی مشاور تسلیم شده توسط خواننده است. دومین گزارش تسلیمی خواهان توسط ماونتین استیتس مینرال انترپرایز، اینک تهیه شده است. این گزارش که حاوی اظهار نظر مساعد راجع به

نحوه کار آناکانداست، شامل یک بررسی مشروح فنی تحت عناوین مطالعات توجیهی، زمین‌شناسی، هیدرولوژی و سد رسوبگیر، کارخانه تغلیظ، کوره ذوب و ساختمان است. علاوه براین، بعد از آنکه دیوان به خواننده دستور داد یک سری از عکسهای همراه گزارش‌سازه را در اختیار آناکاندا قرار دهد، هر یک از کارشناسان خواهان یک گزارش تکمیلی حاوی اظهارنظرهای انتقادی شدید از نتیجه‌گیری‌های سازه تسلیم کردند.

۵۵- خواهان اظهار می‌دارد که کمکهای فنی وی از نظر کیفیت به همان اندازه حرفه‌ای بود که گزارش توجیهی. وی ادله مستندی تسلیم نموده تا ثابت کند که "هیچگاه از انتقاد شدید از طرز کار پارسونز-جوردن، پیمانکار اصلی ایرانی و در واقع از خود صنایع مس، تردید به خود راه نمی‌داد." طبق اظهار خواهان، گزارشات ماهانه وی مشحون از انتقادات، شکایات و توصیه‌هایی به صنایع مس است که پیمانکاران را بابت نقایص کارشان مسئول قرار دهد. به عنوان مثال، در رابطه با مسئله ترک خوردگی در سطوح بتونی و نشست فونداسیون‌ها، حسب ادعا سوابق نشان می‌دهد که آناکاندا به کرات به صنایع مس اخطار کرد که دلایلی در دست است که پارسونز-جوردن عملیات متراکم‌سازی را ناقص انجام داده است. خواهان نتیجه‌گیری می‌کند که غیر قابل درک است که صنایع مس بتواند آناکاندا را بابت نقایص ادعایی در طرز کار اشخاص ثالث مسئول بداند، در حالیکه آناکاندا هیچگونه تعهد قراردادی در مورد طرز کار آنها نداشته، بلکه در واقع با کمال صمیمیت راجع به همان موارد شکایات مندرج در ادعاهای متقابل به صنایع مس نظرات مشورتی داده است.

۵۶- و بالاخره، خواهان می‌گوید که مشکلات سرچشمه ممکن است در درجه اول از خود خواننده ناشی شده باشد. آناکاندا خاطرنشان می‌کند که در اوایل سال ۱۹۷۹، استخراج سنگ معدن با موفقیت ادامه داشت، کارخانه تغلیظ و ذوب عمدتاً تکمیل شده بود، بهره‌برداری آزمایشی از کارخانه تغلیظ آغاز شده بود و قرار بود واحد

ذوب در مارس همانسال آماده دریافت کنسانتره گردد. آناکاندا اظهار می‌دارد که هنگامیکه وضعیت فورس ماژور در ژانویه ۱۹۷۹ پارسونز- جوردن و آناکاندا را وادار به ترک محل پروژه کرد، آنها دستورات مفصلی جهت آماده سازی تابستانی کارخانه به صنایع مس دادند و تأکید کردند که نگهداری صحیح دستگاهها در طول مدت بالقوه زیانبار توقف کار آنها حایز نهایت اهمیت است. به علاوه، بعد از شروع بهره برداری، حداقل یک مدت یکساله "رفع عیب" لازم است تا هر کارخانه مس به حد ظرفیت کامل طرح برسد و این دوره‌ای است که به نظر آناکاندا می‌توانست مهمترین دوره مشارکت وی در پروژه باشد. همچنین خواهان یادآور می‌شود که پارسونز- جوردن هیچگاه نتوانست وظایف قراردادی خود را در تعمیر و رفع معایب و کمک به صنایع مس در اعمال مفاهیم طرح وی در سطح عملیاتی به انجام برساند. خواهان اظهار می‌دارد که ادله موجود حاکی از آنست که محتمل‌ترین توضیح علت عدم توانایی صنایع مس در بهره برداری از مجتمع در حد ظرفیت کامل، عبارت است از نگهداری نادرست و معایب بهره‌برداری در طول مدت رفع عیب تاسیسات و بهره برداری متعاقب آن.

یافته‌های دیوان

۵۷- در دعاوی متقابل، آناکاندا مسئول خسارات ادعایی ناشی از نحوه اجرای تعهدات وی در قرارداد کمکهای فنی قلمداد شده است. به عنوان یک امر مقدماتی، دیوان ملاحظه می‌نماید که طرفین نه تنها در مورد کیفیت اجرای کار آناکاندا و نقش وی در خسارات وارده، بلکه همچنین درباره حدود آن تعهدات، اختلاف نظر دارند. گرچه مفاد قرارداد کمکهای فنی جای تعبیر و تفسیر باقی می‌گذارد، نظر دیوان این است که لوایح طرفین نقش خواهان را در قرارداد مذکور از جهاتی بدرستی بیان نمی‌کنند. در آنجا که خوانده می‌گوید آناکاندا "اختیار کامل پروژه را داشته" و

خواهان مکلف بود "پروژه را اجرا و تکمیل نماید" و آناکاندا ملزم بود مجتمع را "تحویل دهد"، صنایع مس در تشریح مسئولیت محوله به آناکاندا مبالغه می‌کند. همچنین اظهار صنایع مس مبنی بر اینکه قرارداد کمکهای فنی، خواهان را مکلف و متعهد به انجام سایر اموری می‌کرد که "منطقاً" برای طرح خاص موضوع قرارداد لازم بود، تعمیم موضوع و تعبیر نادرستی از سوابق موجود است؛ چنانکه در بند ۲۵ بالا ذکر شده، در ماده قراردادی مربوطه صرفاً "فهرستی از موضوعاتی که می‌بایست در گزارش توجیهی مطرح گردد، ذکر شده است. در عین حال، دیوان ملاحظه می‌نماید که در لوایح خواهان این گرایش وجود دارد که مسئولیت آناکاندا در قرارداد کمکهای فنی کمتر از آنچه که هست جلوه داده شود.

۵۸- تعهدات عمده آناکاندا به شرح مندرج در قرارداد کمکهای فنی، عبارت است از تهیه گزارش توجیهی، منجمله ارزیابی فنی و اقتصادی پروژه و در صورت لزوم، بررسی کلیه اطلاعات قبلی که در اختیار آناکاندا گذارده شده بود، ارائه اطلاعات و کمکهای فنی برای طراحی، ساختمان و راه اندازی طرح، با این هدف که طرح تا حد امکان بر طبق بررسیهای مندرج در گزارش توجیهی ساخته شود، تنظیم برنامه آموزشی برای کارکنان ایرانی و تأمین پرسنل مامور در پروژه. عموماً، چنانکه در نامه مورخ ۲۲ مهر ۱۳۵۵ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۶] آقای کینگ مدیر داخلی آناکاندا به آقای توکلی، مدیر عامل صنایع مس اظهار شده ("نامه کینگ")، وظیفه آناکاندا عبارت بود از "کمک، مدیریت [و] مشاوره به صورتی که اثر مطلوب را در تکمیل این پروژه داشته، باعث شود که پروژه باحداکثر صرفه جویی و کارآیی تکمیل گردد." صنایع مس به عنوان کارفرما نیاز به تخصص داشت تا بتواند این مجتمع پیچیده را که چند طرف دست اندر کار آن بودند، با موفقیت به سامان برساند و قرارداد کمکهای فنی به منظور رفع این نیاز تنظیم شده بود. بطوریکه خواهان اظهار داشته، "صنایع مس گرچه تصمیمات را می‌گرفت، اما برای کسب اطلاعات و داده‌ها به آناکاندا متکی بود."

۵۹- بدین ترتیب، در قرارداد کمکهای فنی نقش ستادی مهمی به آناکاندا محول شده بود، اما کار واقعی طراحی، اجرا و تکمیل مجتمع تغلیظ و ذوب در مسئولیت پارسونز-جوردن قرار داشت. علاوه بر این پیمانکار اصلی، چند پیمانکار دیگر که اغلب ایرانی بودند، در پروژه دست داشتند. (۴) مفاد قرارداد کمکهای فنی و قرارداد پارسونز-جوردن حاکی است که وظایف آناکاندا شامل نظارت واقعی بر کار این پیمانکاران در محل کار نبود. لیکن تعهد آناکاندا به اینکه کارفرمای خود را در جریان کار قرار دهد، وی را ملزم می کرد که طرز کار کلی آنها را زیر نظر داشته باشد. در واقع، خواهان اذعان دارد که حسن نیت حکم می کرد وی " به عنوان معاون فنی، بر ساختمان پروژه نظارت کند و ملاحظات و نظرهای خود را به صنایع مس گزارش دهد. به عنوان بخشی از این وظیفه، از آناکاندا انتظار می رفت که پیشرفت کارهای پارسونز-جوردن را زیر نظر بگیرد، به صنایع مس در ارتباطاتش با پارسونز-جوردن یاری دهد، کیفیت کلی کار را ارزیابی کند، مشکلات مربوط به تأخیرها و هماهنگی را ببیند و در رسیدگی به درخواستهای پرداخت و خرید به صنایع مس کمک کند.

۶۰- چنین به نظر می رسد که آناکاندا در اجرای وظایف مذکور، در قالب محدودیتهایی عمل می کرد که دقیقاً مشخص شده بود. طبق دستور صنایع مس، کمکهای آناکاندا باید به طریقی ارائه می شد که نه دخالت در مسئولیت پارسونز-جوردن باشد و نه اختیار صنایع مس را کاهش دهد. به طوریکه آقای ویتکام، مدیر عامل آناکاندا در نامه مورخ ۲۷ آذر ۱۳۵۲ [۱۸ دسامبر ۱۹۷۳] خاطر نشان نمود:

۴- به عنوان مثال، گزارش توجیهی برای سد رسوبگیر توسط مهندسين مشاور بينی اند پارتنرز تهیه شده، در حالیکه موسسه ایرانی طالقانی - دفتری مسئول طرح و نظارت آن بود.

خط مشی مدیریت شرکت مس سرچشمه اینست که طرح مهندسی کارگاه متالورژی سرچشمه، منحصرًا در مسئولیت پارسونز - جوردن اینترنشنال کوریوریشن باشد. شرکت مس سرچشمه میل ندارد که آناکاندا یا کارمندان مامور آن در موقعیت تصمیم‌گیری راجع به طرح کارگاه، انتخاب تجهیزات یا طرح فرایندها باشند که منجر به تضعیف مسئولیت پارسونز گردد.

گزارش وضعیت مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۳ [دوم مه ۱۹۷۴] نیز پیام مشابهی دارد:

به موجب دستورالعملی که [آقای] نیازمند مدیرعامل سرچشمه [سلف آقای توکلی]، برای آناکاندا صادر کرده، آناکاندا حق ندارد در مورد طرح کارگاه به پارسونز - جوردن دستورالعمل یا رهنمود بدهد. گهگاه به آناکاندا اجازه داده شده است که طرح کارگاه را بررسی کند و توصیه‌ها یا پیشنهادات خود را فقط به شرکت سرچشمه تسلیم نماید.

دستورالعمل صنایع مس نه تنها شامل طراحی بود، بلکه ساختمان را نیز شامل می‌شد. آقای ویتکام مدیرعامل [آناکاندا]، طی نامه مورخ دهم خرداد ۱۳۵۳ [۳۱ مه ۱۹۷۴] به آقای وودبریج (۵) مدیر داخلی آناکاندا اطلاع داد که "احداث کارخانه مسئولیت اصلی پارسونز-جوردن و سیستم آب مسئولیت بینی اند پارتز است و شما آنچنان مسئولیت مستقیمی در مورد آنها ندارید که فعلاً" در بهره‌برداری از معدن دارید." آقای توکلی مدیر عامل [صنایع مس] طی یادداشتی به تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۵۴ [اول مارس ۱۹۷۶]، به مدیر داخلی آناکاندا یاد آورد که: "صدور دستورات تغییر به عنوان پارسونز - جوردن فقط با تصویب قبلی مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره مس سرچشمه ... امکان پذیر است و لازم است این دستور را به کارکنان خود ابلاغ کنید".

۵- سلف آقای کینگ به عنوان مدیر داخلی.

۶۱- مبرا کردن آناکاندا در قرارداد از هرگونه تعهد یا ضمانتی بابت پروژه، با محدودیتی که برای وضعیت ستادی آن برقرار شد و فوقاً" تشریح گردید، هماهنگی دارد. در بند ۸۷ حکم شماره ۲-۹۷-۲۳۲ مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [دوم مه ۱۹۸۶]، در پرونده ریچارد دی هارزا و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، (چاپ شده در: 76, 110-111 Iran - U.S. C.T.R. 11) ("هارزا")، دیوان اثر این ابراء را بر ضابطه مسئولیت مورد بررسی قرار داد و با یادآوری این مطلب که در آن پرونده، هیچگونه ضمانت قراردادی در برابر نقایص ساختمانی وجود نداشته، نظر داد که: "صرف وجود نقص یا مشکل در هر یک از پروژه‌هایی که [خواهان] در آن به عنوان مهندس مشاور عمل کرده، به خودی خود منجر به این نتیجه‌گیری نمی‌شود که [وی] مسئول آن نقص یا مشکل است". دیوان یادآور شد که "در واقع، ضمانت در برابر این قبیل نقایص معمولاً" در قراردادهای منعقد با پیمانکاران ساختمانی قید می‌شود، و نه در قراردادهای منعقد با مهندسين مشاور". بر این اساس، دیوان نتیجه‌گیری کرد که تنها در صورتی می‌توان مهندس مشاور را مسئول [نواقص] اجرای تعهدات قراردادی‌اش دانست که در رعایت ضوابط مقرر در قرارداد خود به روشنی قصور کرده باشد.

۶۲- در پرونده حاضر، ضابطه مذکور در ماده ۲/۰۳ قرارداد کمکهای فنی قید شده است. به موجب ماده مزبور، آناکاندا تعهد کرد که وظایف خود را "باحزم و درستی و با چنان جدیتی انجام دهد که گویی یگانه صاحب ملک و تأسیساتی است که قرار است ساخته شود." ماده مذکور مضافاً" آناکاندا را ملزم می‌کرد که "منافع صنایع مس را در نظر گیرد و از بهترین روشهای شناخته شده در صنعت مس که از آن مطلع است استفاده نماید."

۶۳- ادعاهای متقابل خواننده فرض را براین قرار میدهد که آناکاندا طبق ضابطه مزبور عمل نکرده است. در واقع صنایع مس اظهار می‌دارد که آناکاندا قرارداد کمکهای

فنی را به حدی نقض کرده که مرتکب مسامحه تام و تدلیس شده است". خواننده می‌گوید که اگر نقض قرار داد توسط آناکاندا عمدی نباشد، حداقل در حکم تقصیر سنگین است. به نظر صنایع مس، "آناکاندا به نحوی عمل کرده بود که گویی کوشش داشت هزینه را به حداکثر و کیفیت کار را به حداقل برساند. ظاهراً قصد آناکاندا این بوده است که بر میزان هزینه‌ها و مخارج بیفزاید، بدون آنکه دغدغه‌ای راجع به کیفیت نتیجه نهایی کار داشته باشد." صنایع مس معتقد است که قصور آناکاندا در حسن انجام کار "چنان واضح است که نیازی به بحث و استدلال ندارد."

۶۴- با وجود این، قصور ادعایی آناکاندا موجب نشد که خواننده در زمان اجرای قرارداد کمکهای فنی و تا زمان فسخ آن در سال ۱۹۷۹ نسبت به طرز کار آناکاندا اعتراض اساسی اقامه کند. چنانکه قبلاً در قرار اعدادی خاطر نشان گردید، مدرکی در سوابق موجود نزد دیوان وجود ندارد که حاکی از آن باشد که صنایع مس در جریان اجرای قرارداد، مدعی نقض اساسی قرارداد توسط آناکاندا شده باشد. بند ۶۱ قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵، چاپ شده در 13 Iran - U.S. C.T.R. at 216. خواننده نه تنها مدرکی خلاف این اظهار ارائه نکرده، بلکه در واقع اذعان کرده که وی پیش از اقامه ادعاهای متقابل به مبلغی متجاوز از ۲ میلیارد دلار، هیچگاه جدا شکایتی ابراز نکرده بود.

۶۵- به همینگونه، نحوه پرداخت [صورتحسابها] توسط صنایع مس از سال ۱۹۷۲ به بعد، گویای هیچگونه نارضایتی اساسی نیست. صنایع مس تا بهار سال ۱۹۷۸ هزینه‌های قابل باز پرداخت و حقوق و مزایای آناکاندا را به وی پرداخت کرد و تا اکتبر همان سال نیز به پرداخت حق الزحمه خدمات فنی ادامه داد. بنگرید به: بند ۳۲ قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵، چاپ شده در 13 Iran-U.S. C.T.R at 208. اختلاف نظر مالی که بعداً بین طرفین بروز کرد، به مبالغی مربوط می‌شد که قابل

پرداخت بود و ارتباطی به استحقاق آناکاندا به دریافت وجه نداشت. در واقع، به طوریکه در قرار اعدادی خاطرنشان شد، به نظر می‌رسید که صنایع مس دین خود را بابت حقوق و مزایای کارکنان و همچنین حق‌الزحمه خدمات فنی تا فوریه ۱۹۷۹ پذیرفته بوده‌است. همان مآخذ، بند ۳۵، چاپ شده در 13 Iran-U.S. C.T.R. at 210.

۶۶- به دلایلی که در بندهای ۴۴ الی ۴۶ فوق ذکر شد، خواهان استدلال می‌کند که عدم اعتراض خوانده در زمان اجرای قرارداد کمکهای فنی، صنایع مس را ممنوع از اقامه ادعاهای متقابل می‌کند. در واقع، دیوان بارها نظر داده است که قصوری از این نوع، اعتبار دعاوی بعدی را شدیداً سست می‌کند. نمونه‌هایی از این رویه دیوان، اصول ناظر بر این نظر را روشن خواهد کرد.

۶۷- در پرونده دیک او دلهور، اینکوریوریتد، و دیگران و شرکت نوسازی و عمران تهران و دیگران، حکم شماره ۳-۲۵۵-۱۷۶ مورخ ششم اردیبهشت ۱۳۶۴ [۲۶] آوریل ۱۹۸۵، چاپ شده در 144 Iran-U.S. C.T.R. 8، دعاوی متقابلی ثبت و ادعا شده بود که نحوه اجرای قراردادهای ساختمانی منعقد بین ژوئیه ۱۹۷۵ و سپتامبر ۱۹۷۷ ناقص بوده‌است. وظیفه خواهانها این بود که خدمات نظارتی و مشاوره‌ای ارائه و دانش و مشاوره فنی تأمین نمایند. دیوان به شرح زیر اعلام نظر کرد:

در رابطه با نواقص ادعایی در اجرای کار، تا آوریل ۱۹۷۸، که پیمانکاران ادعا کردند که [خوانده] از تعهدات خود تخلف کرده و صحبت از فسخ قرارداد به میان آوردند، عمران تهران ذکری از هیچگونه نواقص ادعایی نکرده بود. این ادعا مدتها پس از آنکه کار در جریان بود و تمام شده، مطرح شد. نمایندگان [طرفین] سالهای متمادی در محوطه پروژه با هم ملاقات می‌کردند. ساختمانها در حال اتمام بود. با اینحال، هیچگونه مدرکی راجع به اینکه در آن مدت به این نواقص ادعائی اشاره‌ای شده باشد، وجود ندارد. عدم اعتراض بموقع به نواقص ادعائی در کار پیمانکاران، در مورد وجود چنین نواقصی شک و تردید جدی ایجاد می‌کند. بعلاوه، [خوانده]

هرگز جهت فسخ قراردادها، اطلاعیه تخلفی که طبق قراردادها لازم بوده، به پیمانکاران نداد تا پیمانکاران فرصت اصلاح چنین تخلفاتی را داشته باشند.

همان مأخذ، صفحه ۴۸، چاپ شده در: 8 Iran- U.S. C.T.R at 176

۲۸- در پرونده هارزا، دیوان دعاوی و دعاوی متقابل موضوع یک قرارداد منعقد بین خواننده و شرکت مهندسی مشاوره را بررسی کرد که وظایفش شامل تهیه گزارش توجیهی، نقشه‌های ساختمانی و نیز تامین خدمات مهندسی در حین ساختمان بود. دیوان ضمن یادآوری این موضوع که خواننده مبالغ قابل ملاحظه‌ای در ازای صورتحسابهای خواهان پرداخت کرده بوده، خاطر نشان کرد که خواننده

ایراد عدم کفایت آزمایشات زمین شناسی را برای اولین بار طی جریان رسیدگی حاضر مطرح کرده است. نحوه عمل قبلی [خواننده] ناقض اعتبار ایراد وی می باشد. علاوه براین، بسیار غیرعادلانه است که به کارفرمایی مانند [خواننده] اجازه داده شود مهندسی را برای مدت پنج سال با وعده پرداخت حق الزحمه که با پرداختهای منظم و اطمینانهای مکرر تایید گردیده به کار ترغیب کند و سپس در پایان منکر شود که حق الزحمه‌ای بدهکار است. در ماده ۱۳ قرارداد، برای [خواننده] در صورتی که [خواهان] نقایص کار خود را رفع نکند، چاره جویی‌هایی به صورت دادن اخطار، فسخ و وصول خسارات پیش‌بینی شده است. به‌علاوه، [خواننده] حق داشت هر موقع بخواهد به خدمت [خواهان] خاتمه دهد. به موجب مفاد قرارداد... اگر [خواننده] معتقد بود که [خواهان] مستحق حق الزحمه نیست، موظف بود این مطلب را در همان زمان به وی گوشزد نماید.

بند ۶۱ حکم شماره ۲ - ۹۷ - ۲۳۲، چاپ

شده در: 11 Iran- U.S. C.T.R. at 101 دیوان ضمن بررسی ادعاهای متقابل خواننده مضافاً نظر داد که "عدم شکایت [خواننده] از کیفیت کارهای [خواهان] در همان زمان پیدایش مشکل، اعتبار شکایت وی را در این رسیدگی سست می‌کند." و با اشاره به ماده مربوط به فسخ قرارداد، دیوان مضافاً نظر داد که "قرارداد اگر هم کاملاً مانع طرح ادعای متقابل [علیه خواهان] نشود، حداقل مسئولیت احتمالی وی را محدود می‌کند." همان مأخذ، بند ۹۹ چاپ شده در 11 Iran-U.S. C.T.R. at 114. و بالاخره، در مورد مطالعات توجیهی که خواهان

انجام داده بود، دیوان نظر داد که چون خواننده "در همان زمان [اجرای قرارداد] ایرادی به گزارش نگرفت،... بنابراین باید چنین تلقی کرد که طبق بند ۲ ماده ۴ قرارداد، گزارش را پذیرفته است." همان مآخذ، بند ۱۶۹،

چاپ شده در 11 Iran U.S. C.T.R. at 135 .

۶۹- پرونده دیگری که موید رویه دیوان در این باب است، پرونده هارنیشفر

کوریوریشن و وزارت راه و ترابری و دیگران، حکم جزئی شماره ۱۸۰-۳-۱۴۴

مورخ ۲۲ تیر ۱۳۶۳ [۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴]، چاپ شده در 7 Iran-U.S. C.T.R. 90

است، که در آن دیوان منجمه نظر داد که:

از آنجا که قبل از شت این ادعا، یعنی پنج تا شش سال بعد از دریافت وسایل، [خواننده] در مورد تجهیزات مشمول این قراردادها، عیب و نقص و تاخیری را به [خواهان] اعلام نکرده است، بنابراین از طرح این دفاع ممنوع خواهد بود. در این ارتباط باید یادآور شد که [خواننده] بهای قسمتی از وسایل و قطعات را پرداخته است و این خود نشانه آن است که [وی] از وضعیت وسایل راضی بوده است.

همان مآخذ، صفحه ۲۰، چاپ شده در 7 Iran-U.S. C.T.R. at 103. دیوان با

یادآوری این مطلب که خواننده هیچگاه حق قراردادی خود را نسبت به فسخ قرارداد

در صورت نقض آن اعمال نکرده، مضافاً نظر داد که گرچه دیوان مقید به قوانین

داخلی در مورد مرور زمان نیست، با اینحال واجد این اختیار هست که تصمیم گیرد

آیا در طرح ادعا در یک دادگاه صالح تاخیر غیرمعقولی صورت گرفته است یا خیر.

با توجه به عمر دعاوی متقابل و اثر قرارداد، دیوان نظر داد که طرح [آن] دعاوی

متقابل در واقع ممنوع است. همان مآخذ، صفحه ۳۸، چاپ شده

در: 7 Iran-U.S. C.T.R. at 116 .

۷۰- دیوان در بسیاری موارد دیگر به نتایج مشابهی رسیده است. به عنوان مثال، بنگرید

به: سائزموگراف سرویس کوریوریشن و دیگران و شرکت ملی نفت ایران، حکم

شماره ۴۴۳-۳-۴۲ مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۶۸ [۳۱ مارس ۱۹۸۹]، بندهای ۱۹۳

و ۳۲۰، چاپ شده در: 3,45,83 Iran-U.S. C.T.R. 22، جان کارل وارنکه
اند اسوشی ایتس و بانک ملت، حکم شماره ۱۲۴-۳-۷۲ مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۶۲
 [دوم سپتامبر ۱۹۸۳]، صفحه ۱۱، چاپ شده در: 256, Iran-U.S. C.T.R. 3
 261، تی. سی. اس. بی. اینک و ایران، حکم شماره ۱۴۰-۲-۱۱۴ مورخ ۲۶
 اسفند ۱۳۶۲ [۱۶ مارس ۱۹۸۴]، صفحه ۲۳، چاپ شده در: 5 Iran-U.S.
 C.T.R. 160, 173، مک لافلین انترپرایز، لیمیتد و دولت جمهوری اسلامی ایران
و دیگران، حکم شماره ۱-۲۸۹-۲۵۳ مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۶۵ [۱۶ سپتامبر
 ۱۹۸۶]، بند ۱۶، چاپ شده در: 146, 150-1 Iran-U.S. C.T.R. 12، جنرال
داینامیکس تلفن سیستمز سنتر، اینکوریوریتد و دیگران و جمهوری اسلامی ایران
و دیگران، حکم شماره ۲-۲۸۵-۱۹۲ مورخ ۱۲ مهر ۱۳۶۴ [چهارم اکتبر ۱۹۸۵]،
 صفحات ۱۱ و ۱۵، چاپ شده در: 153, 159-60, 161-62 Iran-U.S. C.T.R. 9،
امریکن بل اینترنشنال، اینکوریوریتد و جمهوری
اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۳ - ۴۸ - ۲۵۵ مورخ ۲۸
 شهریور ۱۳۶۵ [۱۹ سپتامبر ۱۹۸۶]، بندهای ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۷ و
 ۱۹۶، چاپ شده در: 170, 219-21, 223, 228 Iran-U.S. C.T.R. 12،
کیمیرلی - کلارک کوریوریشن و بانک مرکزی ایران و دیگران، حکم شماره
 ۲-۵۷-۴۶ مورخ چهارم خرداد ۱۳۶۲ [۲۵ مه ۱۹۸۳]، صفحه ۱۵، چاپ شده در
 2 Iran -U.S. C.T.R. 334, 341-42، لوگوس دیولیمت کوریوریشن و
اینفورمیشن سیستمز ایران، جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره
 ۳-۴۸۷-۲۲۸ مورخ دهم اردیبهشت ۱۳۶۵ [۳۰ آوریل ۱۹۸۶]، بندهای ۴۳، ۵۰ و
 ۵۳، چاپ شده در: 53, 64-66 Iran-U.S. C.T.R. 11.

۷۱- بدین ترتیب، عدم اعلام نقایص ادعایی در کار طرف [دیگر] ممکن است بر ادعایی که
 بعداً بر اساس آن نقایص اقامه می‌شود، اثرات نامطلوبی داشته باشد. با وجود
 این، همچنانکه دیوان در قرار اعدادی خاطر نشان نمود، عدم اعتراض در زمان

اجرای قرارداد فی نفسه مانع از احراز مسئولیت نیست. بند ۶۱ قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵، چاپ شده در: 13 Iran-U.S. C.T.R. at 216. به طوریکه دیوان در پرونده امریکن ایل اینترنشنال اینکوریپتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، قرار اعدادی شماره ۳-۴۸-۴۱ مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۶۳ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۴]، صفحه ۲۰، (چاپ شده در: 6 Iran-U.S. C.T.R. 74, 88) نظر داد، خواننده‌ای که از وسایل قراردادی جبران خسارت در ارتباط با نقایص ادعایی در طرز کار طرف دیگر استفاده نکرده باشد، از اقامه ادعای متقابل ممنوع است، "مگر در صورت وجود ادله و مدارکی دال بر اوضاع و احوالی که بتواند عذر معتبر و قانونی برای عدم استفاده [وی] از این وسایل تلقی شود".

۷۲- صنایع مس استدلال می‌کند که اوضاع و احوال پرونده حاضر چنین عذری محسوب می‌شود. وی اذعان دارد که "چنانچه نقصی در کار مشاهده می‌شد، صنایع مس می‌توانست به آناکاندا اخطار دهد و از وی بخواهد آن را ظرف مدت مقرر در قرارداد ترمیم نماید. چنانچه آناکاندا آن را ترمیم نمی‌کرد، صنایع مس می‌توانست قرارداد را فسخ نماید". لیکن صنایع مس استدلال می‌کند که دادن اخطار تخلف صرفاً یکی از شرایط فسخ قرارداد است و بدین ترتیب نتیجه‌گیری می‌کند که "در صورتیکه علیرغم ارتکاب نقض اساسی، فسخ قرارداد در نظر نباشد، نمی‌توان گفت که عدم تسلیم بموقع اخطار، مانع می‌شود که طرف غیرمتخلف غرامت مطالبه کند." علاوه بر این، صنایع مس خاطر نشان می‌سازد که طبق ماده ۱۴/۰۶ قرارداد کمکهای فنی، عدم استفاده از هر یک از مفاد این قرارداد بوسیله هریک از طرفین، انصراف تلویحی از چنین حق یا اختیاری تلقی نخواهد شد و اثری برحق وی در استفاده بعدی از آن نخواهد داشت.

۷۳- از نظر موضوعی، خواننده مدعی است که "قدرت مطلقه آناکاندا بر پروژه تا هنگام خروج آن از ایران ... اظهار هر گونه عقیده درباره طرز کار پیمانکار را تقریباً"

غیرممکن می‌ساخت". همچنین خواننده توضیح می‌دهد که پرداخت حق‌الزحمه آناکاندا را از جانب وی نمی‌توان رضایت از طرز کار آناکاندا تلقی کرد، " زیرا در آن هنگام صنایع مس به علت اهمیت طرح و به منظور تسریع در انجام کار و اجتناب از دادن بهانه به دست آناکاندا جهت شانه خالی کردن ... از مسئولیت‌هایش، پرداخت ها را با حسن نیت انجام می‌داد".

۷۴- دفاع اصلی صنایع مس این است که نمی‌توان از وی انتظار داشت که در زمان اجرای قرارداد اعتراضی کرده باشد، زیرا تنها بعد از فسخ قرارداد کمک‌های فنی بود که وی از وجود نقایص اطلاع حاصل کرد. خواننده بی‌اطلاعی خود را از وجود نقایص به شرح زیر توضیح می‌دهد. در وهله اول، صنایع مس استدلال می‌کند که دارای تخصص لازم برای شناخت نقایص احتمالی نبوده است. خواننده اظهار می‌دارد که "اگر صنایع مس و سلف وی، مس سرچشمه، در صنعت مس تخصص داشتند، قبل از انقلاب علیرغم نحوه برخورد خاص ایالات متحده نسبت به ایران، اقدامی به عمل می‌آوردند، هر چند که این کار در آن ایام خارج از ظرفیت ایران بود." در وهله دوم، خواننده اظهار می‌دارد که در طرحی به عظمت طرح مس سرچشمه، ارزیابی طرز کار معاون فنی تنها بعد از تحویل مجتمع امکان‌پذیر می‌شود. بنا به اظهار صنایع مس، کیفیت تعهدات آناکاندا چنان بود که نتایج حاصله از کارهای وی تنها بعد از مدت مدیدی مشهود می‌شد. خواننده در پایان اظهار می‌دارد که "وی پیش از آنکه کارکنان آناکاندا ایران را ترک کنند، از وجود نقایص در این پروژه کلاً بی‌خبر بود"، حال آنکه برعکس، "خود آناکاندا از کاستی‌ها و نقایص موجود در کار خود به قدر کافی اطلاع داشت."

۷۵- با آنکه خواننده خواهان را متهم به ارتکاب تقصیر سنگین در اجرای قرارداد کمکهای فنی می‌کند، ولی استدلالش به شرح موصوف در بند ۷۲ بالا ظاهراً "متضمن این فرض است که صنایع مس مناسبات قراردادی خود را ادامه می‌داد. در هر حال، دیوان با این استدلال خواننده موافق نیست که هر یک از طرفین فقط در صورتی ملزم به دادن اخطار تخلف می‌بودند که قصد فسخ قرارداد را می‌داشتند. همانطور که در آراء مورد اشاره در بالا آمده، مطالبه غرامت از طرفی، بدون آنکه قبلاً اخطار تخلف داده شود، ممکن است بطور غیرمنصفانه فرصت رفع تخلف یا حداقل محدود کردن خسارات متحملة در اثر تخلف را از آن طرف سلب کند. لذا روشن است که وظیفه دادن اخطار موضوع ماده ۹-۲ قرارداد کمک‌های فنی مفهومی وسیع‌تر از مفهوم مورد نظر صنایع مس دارد.

۷۶- در خصوص شرط اعراض، که خواننده بدان استناد نموده، نظر دیوان اینست که شرط مزبور که از مختصات مشترک اغلب قراردادهای تجاری است، اثری بر ارتباط ماهوی ملاحظات مندرج در بندهای ۶۷ تا ۶۹ بالا ندارد. منظور از چنین شرطی حصول اطمینان از اینست که طرفین برای هر مورد قصور در اجرای فوری یک حق قراردادی تنبیه نشوند. البته واضح است که حیطة حمایت این شرط محدود نیست. برای مثال، چنانچه طرفی عمداً به طرف متخلف اخطار ندهد و از این طریق به وی خسارت وارد آورد، به صرف استناد به این شرط اعراض استاندارد، از وی اسقاط تکلیف نمی‌شود. بنابراین آثار چنین شرطی بر حسب اوضاع و احوال مورد تغییر خواهد کرد.

۷۷- خواننده مدرکی در تایید این ادعای خود ارائه نکرده است که "اختیار مطلق" آناکاندا در پروژه این امکان را از صنایع مس سلب کرده بود که نظر خود را راجع به طرز کار آناکاندا ابراز کند. همانطور که در بند ۵۷ بالا گفته شد، صنایع مس در مورد مسئولیتهایی که آناکاندا در قرارداد کمک‌های فنی داشته، مبالغه کرده است. به

علاوه، قرینه‌ای بر اینکه اظهار وی موضوعاً پایه و اساسی داشته باشد، وجود ندارد. در خصوص این مطلب، به بندهای ۷۹ الی ۸۱ و ۱۱۱ الی ۱۱۷ ذیل نیز ارجاع داده می‌شود. علاوه بر آنکه اظهار خوانده به لحاظ فقد دلیل محکوم به رد است، دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که این اظهار دلالت بر آن دارد که صنایع مس، ولو آنکه حسب ادعا نمی‌توانست اعتراض کند، بهر حال از وجود مشکلات آگاه بوده است. اظهار خوانده، دایر بر اینکه به این دلیل به آناکاندا پول پرداخت که "بهانه‌ای بدست آناکاندا ندهد که از ... مسئولیت‌هایش طفره رود"، استنباط فوق را تایید می‌کند.

۷۸- بنابر این، توضیح صنایع مس، این ادعای وی را که تا زمان فسخ قرارداد کمک‌های فنی بوسیله آناکاندا از نقایص کلاً بی‌خبر بوده متزلزل می‌کند. با این وصف همانطور که در بند ۷۴ بالا ذکر شد، خوانده اعتقاد دارد که کشف نقایص قبل از شروع بهره‌برداری از مجتمع مس غیرممکن بود. دیوان در واقع طی آرای قبلی خود به این نتیجه رسیده است که عدم وجود اخطار قبلی در مورد نقایص ادعایی، "امکان وجود نقایص نهفته یا نقایصی را که تنها پس از مدتی بهره‌برداری از کارخانه ظاهر می‌شوند، منتفی نمی‌سازد." سنگرید به: بند ۶۸ حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴ مورخ ۲۱ آبانماه ۱۳۶۵ [۱۲ نوامبر ۱۹۸۶] دیوان در پرونده هنری اف تایکمن، اینکوریوریتد و دیگران و شرکت شیشه همدان که در 13 Iran- U.S. C.T.R. 124 به چاپ رسیده است. با اینحال واضح است که بسیاری از نقایصی که اکنون مورد ادعاست، بایستی مشخص‌تر از آنچه که خوانده ادعا می‌کند، بوده باشد. برای مثال، بعید است که تا زمان عزیمت پرسنل آناکاندا از ایران، کسی متوجه ترک خوردگی دیوارها، نشست فونداسیون‌ها و اکسیدشدن سنگ معدن نشده باشد. مضافاً بطوریکه در بند ۴۱ بالا اشاره شد، اساس ادعاهای متقابل صنایع مس عمدتاً تاخیراتی است که در جریان تکمیل پروژه پیش آمده است. بدیهی است برای اینکه صنایع مس از چنین تاخیراتی اطلاع حاصل کند، لازم نبود که مجتمع مس به مرحله

بهره برداری رسیده باشد. علاوه براین، به نظر می‌رسد که استدلال صنایع مس با این ادعایش تناقض دارد که خود آناکاندا بخوبی متوجه کاستی‌های کار خود بوده است.

۷۹- صنایع مس در توضیح ادعای خود مبنی بر عدم تشخیص کاستی‌ها، مضافاً استدلال می‌کند که فاقد تخصص لازم برای این کار بوده است. از مفاد قرارداد کمک‌های فنی به وضوح بر می‌آید که صنایع مس برای هدایت شدن در جهت اجرای پروژه نیاز به معاضدت داشت. به گفته خواهان، صنایع مس برای دریافت اطلاعات و داده‌ها به آناکاندا چشم امید داشت. بنگنید به: بند ۵۸ بالا. در عین حال، همانطور که در بند ۲۷ بالا ذکر گردید، صنایع مس در قرارداد کمک‌های فنی از موقعیتی ممتاز برخوردار بود. مدیر داخلی منصوب خواهان در پروژه، طبق قرارداد ملزم بود به مدیر عامل صنایع مس که "قدرت و اختیار و مسئولیت تام پروژه را داشت" گزارش دهد و از دستورات وی متابعت نماید.

۸۰- بنا به سوابق موجود، نقش ممتازی که در قرارداد کمک‌های فنی برای صنایع مس پیش‌بینی شده بود، صرفاً جنبه تشریفاتی نداشت. طبق دستورالعمل صادره توسط صنایع مس، که در بند ۶۰ بالا بدان اشاره شد، زمانی که به آناکاندا اجازه بررسی جنبه‌های طراحی پروژه داده شد، وی "موظف بود نظرات یا پیشنهادات خود را فقط به سرچشمه تسلیم کند." به طوریکه در همان بند گفته شد، آقای توکلی مدیر عامل پروژه در تاریخ ۱۲ اسفند ماه ۱۳۵۴ [اول مارس ۱۹۷۶] به آناکاندا یادآوری کرده بود که کلیه دستورهای تغییر باید با کسب اجازه قبلی از وی صورت گیرد. آقای کینگ در نامه خود متذکر می‌شود: "کلیه پیمانکاران اصلی و فرعی که در محل اجرای پروژه به کار اشتغال دارند، مجبورند برای کسب مجوز یا انجام تغییراتی که در تأمین مقاصدشان حایز اهمیت است، به دفتر سرچشمه در تهران یا دفتر معاون مدیر عامل مراجعه نمایند."

۸۱- یادداشتی از آناکاندا به تاریخ سوم اسفند ماه ۱۳۵۵ [۲۲ فوریه ۱۹۷۷] نیز در سوابق موجود است حاکی از این شکایت که: "صنایع مس کلیه اختیارات لازم برای تایید تصمیماتی را که برای حصول اطمینان از پیشرفت منظم و به موقع امور لازم است در دست خود گرفته است". کینگ، مدیر داخلی پروژه طی نامه مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ [هشتم فوریه ۱۹۷۸] خاطرنشان ساخت: "مدیر عامل صنایع مس" "عملاً" نشان داده است که مایلست کلیه عملیات پروژه را از دفتر تهران اداره کند. در صورتجلسه نشست‌هایی که در تاریخ‌های اول و دوم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۳ و ۲۴ اوت ۱۹۷۶] بین صنایع مس و آناکاندا و پارسونز- جوردن در دفتر مرکزی شرکت اخیرالذکر در پاسادینای کالیفرنیا برگزار شد، آمده است که آقای کینگ اظهار داشت: "لازم بود دستورات تغییر کار به تصویب آقای توکلی برسد". در همان جلسه آقای توکلی گفت: "ما [دراین کار] تجربه داشتیم، پیمانکاران دیگری هم داشته‌ایم و شرکتهای خارجی [دیگری] نیز برای ما یا با ما کار می‌کرده‌اند."

۸۲- با توجه به مراتب فوق، به نظر دیوان دلایل استنادی صنایع مس راجع به عدم وقوف ادعایی وی متقاعد کننده نیست. اما موضوع مهم‌تر اینست که آیا صنایع مس از مشکلات کار آگاه بوده است یا خیر. به حکایت بسیاری از مدارک موجود، جواب مثبت است. سوابق مشحون از مراسلات و گزارشات و یادداشتهایی است حاکی از اینکه تاخیرها، افزایش هزینه‌ها، مشکلات فنی و مسایل تدارکاتی غالباً بطور صریح به اطلاع خواننده می‌رسیده است. دیوان ملاحظه می‌کند که منشأ اغلب این اطلاعات آناکاندا بوده است. همچنین در صورتجلسات، ارجاع به مذاکرات و حتی در اطلاعیه‌هایی که خود صنایع مس صادر کرده، به بسیاری از مشکلات مبتلابه پروژه اشاره شده‌است. در بندهای ذیل دیوان به شرح تعدادی از این مدارک می‌پردازد.

۸۳- یکی از اولین اطلاعیه‌هایی که مشکلات کار در آن مشخص شده، گزارشی است از وضعیت کلی پروژه به تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [دوم مه ۱۹۷۴]. در آن

گزارش، ضمن اشاره به بازدید آقای نیازمند، مدیر عامل پروژه از محل اجرای آن، مشخص شده است که: "بسیاری از مشکلات مشروح در گزارش در جریان بازدید به اطلاع ایشان رسیده است." یادداشت مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۵۳ [۲۲ ژوئیه ۱۹۷۴] دلالت دارد که خواهان "نامنظم بودن تاریخهای تکمیل کار، دوباره کاری، انجام کارهای برنامه ریزی نشده [عدم هماهنگی] بین پروژه های وابسته به یکدیگر و عدم وجود اطلاع صحیح از تاریخ تکمیل تمامی پروژه سرچشمه را" پیش بینی کرده بود. برابر مندرجات این یادداشت، رئیس آناکاندا بر همین اساس به مدیر عامل صنایع مس اطلاع داد که "به نظر وی، آقای نیازمند برای ارزیابی صحیح پیشرفت کلی پروژه اطلاعات کافی دریافت نمی کند." در همین گزارش، ضمن اشاره به اینکه آقای نیازمند "علاقه فراوانی به این مطلب ابراز داشت" آمده است: آناکاندا "نسبت به اعتبار مدارک پارسونز - جوردن تردید پیدا کرده است."

۸۴- کینگ طی یک نامه خصوصی شدیداً انتقادی هشت صفحه ای خطاب به توکلی، مدیر عامل، در خصوص نقایص جدی پروژه از لحاظ "مدیریت قرارداد، ترابری، تدارکات، عملیات بندری، تامین بودجه، محاسبه قیمت تمام شده، حفاظت، روابط کارگری، استخدام و آموزش" هشدار داده است. هر چند این مسایل ماهیت فنی ندارد، اما بنابه مندرجات نامه مزبور، واضح است که "در تکمیل موفقیت آمیز این برنامه جامع مهندسی و ساختمانی تاثیری عمده می گذارد." در نامه مورد بحث، ضمن تاکید بر "وخامت بسیاری از مشکلات مربوط به توسعه، ساختمان، راه اندازی و خدمات این پروژه پیچیده"، خاطر نشان شده است که [مشکلات مزبور] "اثر شدیداً" فلج کننده ای بر کار نظارت این پروژه دارد."

۸۵- سوابق نشان می دهد که هشدارهای آقای کینگ رویدادهای استثنایی نبود. به طوریکه خود نامبرده در گزارش مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ [هشتم فوریه ۱۹۷۸] متذکر می شد: "در مورد پیچیدگی ها و عقیم ماندن تلاش های معمول برای اداره

عملیات، مکاتبات و مذاکرات متعددی بین مقامات مسئول طرفین صورت گرفته است. در نامه مورخ دهم فروردین ماه ۱۳۵۶ [۳۰ مارس ۱۹۷۷] خطاب به پارسونز-جوردن که نسخه‌ای از آن برای آقای توکلی ارسال گردیده، توجه گیرندگان به "وضعیت وخیم پیشرفت کار و بهره‌برداری از مجتمع تغلیظ و ذوب در آن تاریخ" جلب شده است. در این نامه، ضمن اشاره به "بسیاری مشکلات پیچیده مرتبط با ساختمان این پروژه" نتیجه‌گیری شده است که: برنامه "با مشکلات بسیار جدی مواجه است، همچنانکه از آغاز کار چنین بوده."

۸۶- در گزارشات آناکاندا از پیشرفت کار، نقایص متعددی مشخص شده است. برای مثال، در گزارش مورخ ژوئن ۱۹۷۶ راجع به "عدم توانایی پارسونز-جوردن در متراکم سازی در حد مورد نیاز" بحث شده است. در این گزارش، پس از اشاره به اینکه "عدم کشف قبلی نفوذ آب های زیرزمینی، به متراکم سازی خاکریز صدمه وارد کرده، هشدار داده شد که "وضعیت وخیم آب در سطح زمین ممکن است منجر به تغییراتی در طرح، تاخیر در کار و افزایش هزینه بشود." در گزارش بعدی آناکاندا ضمن مطالب دیگری آمده است: "در دیواره‌های تونل بتونی ترک‌هایی ظاهر شده است." در پیگیری نقایص اعلام شده، خواهان طی گزارش ماه نوامبر ۱۹۷۶ اخطار داد که: "هیچ اقدام اصلاحی در قسمت‌هایی که قبلاً" معلوم شد کاهش تراکم دارد، به عمل نیامده است." طبق گزارش مزبور، ترک‌ها "به حدی نامنظم است که مشخص کردن روند دقیق آن‌ها بررسی بیشتری لازم دارد. به پارسونز-جوردن کتبا" هشدار داده شده است که وضعیت این تونل را با دقت تحت نظر بگیرد."

۸۷- مشکلات اعلام شده به صنایع مس، مشکلاتی است مربوط به کار پیمانکار اصلی پروژه و سایر پیمانکاران. برای مثال، گزارش ماه نوامبر ۱۹۷۶ آناکاندا حاوی تحلیل انتقادی پیشرفت حاصله در آن ماه بوده و در آن افزوده شده است که از "مدیر

پروژه پارسونز- جوردن خواسته شده است در توضیح دلایل کندی پیشرفت کار، گزارش مشروحی تهیه نماید. همان گزارش، نمونه‌ای از ارزیابی آناکاندا از کار سایر پیمانکاران پروژه است :

کار پیمانکاری یاسا در زمینه سیستم بازیافت آب در مقایسه با گزارش ماه قبل هیچ بهبودی نشان نمی‌دهد. مقدار کار انجام شده در محل پروژه بسیار ناچیز بوده و عملاً بدون نظارت صورت گرفته و کادر مدیریت این پروژه در تهران، در بهترین حالت، متشکل از یکی از صاحبان [یاسا] است که به طور نیمه وقت کار می‌کند. بدیهیست که تحت چنین شرایطی، کار پروژه بیش از پیش به تأخیر می‌افتد.

در ارتباط با کار شرکت‌های اریکان و یاسا، ملاحظه می‌شود که مهندسین مشاور طالقانی - دفتری در تهران نیز چندان کاری انجام نداده‌اند. ایشان از دفتر خود در تهران هدایت یا پشتیبانی فعالانه‌ای در جهت مدیریت پروژه ارائه نمی‌کنند و در واقع برخی اوقات حتی علاقه‌ای هم نشان نمی‌دهند... چنانچه بنحوی مهندسین مشاور طالقانی - دفتری وادار به اقدام مثبت و جدی، بالاخص در ارتباط با کار یاسا، نشوند این پروژه بر بهره‌برداری از مجتمع تولید مس اثر منفی خواهد گذارد.

به همین ترتیب، در اوت ۱۹۷۶ آناکاندا در گزارشی ضمن پرداختن به سایر مطالب، خاطرنشان کرد: " کار خاکریزی که برعهده اریکان/اسکو است در این ماه بسیار کند پیشرفته و فقط ۲۵ درصد از خاک ریزی لازم انجام شده است. به آقای اعلم و نمایندگان وی به کرات تذکر داده شده که میزان پیشرفت کار آنها ابداً قابل قبول نیست." طی این گزارش، علاوه بر مشخص کردن "مشکلات عمده کار" راجع به "عدم وجود آخرین اطلاعات در مورد ارقام هزینه در محل اجرای پروژه" هشدار داده شده است.

۸۸- سوابق مشحون از این گونه ارزیابی‌ها توسط آناکانداست و بنابراین جای تعجب نیست که مدارکی هم در خصوص ابراز نگرانی از ناحیه صنایع مس وجود دارد. در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۵۵ [۱۸ ژانویه ۱۹۷۷] آقای توکلی تلکسی در خصوص وضعیت جاری مجتمع تغلیظ و ذوب به رئیس آناکاندا مخابره و بالاخص از مشکلاتی صحبت کرد که "در عدم تحقق تاریخ‌های مورد نظر برای اتمام کار بروز کرده است." به طوریکه

مدیرعامل صنایع مس اظهار داشت: "در حال حاضر ما به شدت نگران این هستیم که تاریخ‌های پیش‌بینی شده برای شروع کار تحقق نپذیرد و با هزینه‌های اضافی غیرقابل توجیه مواجه شویم." صنایع مس با ارسال نامه مورخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۴ [۳۱ ژانویه ۱۹۷۶] به پارسونز-جوردن خواستار "توضیح بیشتر در خصوص وضعیت کارهای طراحی" گردید و شکایت کرد که: "عدم وجود نقشه‌ها موجب سردرگمی و تاخیر و سپس افزایش هزینه ساختمان و طراحی شده است" و از شرکت مزبور خواست که "در مورد علت چنین تاخیر طولانی، وضعیت فعلی کار طراحی و تاریخ مورد انتظار برای تکمیل کار طراحی به صنایع مس توضیح بدهد."

۸۹- شکایات فوق‌الذکر در چندین فقره از مکاتبات پارسونز-جوردن منعکس است. در تلکس داخلی مورخ ۳۱ خردادماه ۱۳۵۵ [۲۱ ژوئن ۱۹۷۶] پارسونز - جوردن راجع به نظرات مختلف واصله از صنایع مس، ضمن مطالبی آمده است: "مشتري خیلی نگران است که مبدا کانال‌های زهکشی در ناحیه باطله به هیچوجه کافی نباشد. موضوع را با آنها در میان بگذارید و نتیجه را هر چه زودتر اعلام کنید. مشتري پیشنهاد نموده که در مسیر تونل‌ها زهکشی ایجاد شود." نامه مورخ ۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۴ [۱۱ اوت ۱۳۷۵] آقای ویلبر جوردن، رئیس هیئت مدیره پارسونز-جوردن، که طی آن "موانع عمده پیشرفت کار" به اطلاع آقای توکلی در صنایع مس رسیده، چنین آغاز می‌شود: "از گزارشاتی که از تهران به من می‌رسد، اینطور متوجه می‌شوم که شما به شدت نگران تاخیر در تکمیل به موقع کارخانه تغلیظ و ذوب سرچشمه هستید."

۹۰- تاخیر در تکمیل کار در واقع دلیل عمده تشکیل جلسات اول و دوم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۳ و ۲۴ اوت ۱۹۷۶] بین صنایع مس، آناکاندا و پارسونز-جوردن بود. آناکاندا در حضور آقای توکلی از عملکرد پیمانکاران شدیداً انتقاد کرد. پس از قرائت مفصل شکایات (متن صورتجلسه ۱۰۴ صفحه است)، آقای کینگ اصرار نمود که پارسونز-

جوردن "تغییرات واقعا" اساسی در کارش ایجاد کند، تغییراتی کاملا" ملموس که وضعیت را بطور بنیادی دگرگون کند." آقای کینگ اضافه کرد: "به آقای توکلی گفتم که اگر اوضاع در مدت کوتاهی بهبود پیدا نکند، پیشنهاد من اینست که پارسونز- جوردن از پروژه اخراج شود. بدین ترتیب توجه داشته باشید که من مساله را بسیار جدی تلقی می‌کنم."

۹۱- صورتجلسه مربوط دلالت بر این دارد که مدیرعامل صنایع مس در مذاکرات فعالانه شرکت داشت. برای مثال، وی در خصوص هزینه‌ها خطاب به پارسونز- جوردن اظهار داشت: "اولین رقم تخمینی شما برای این پروژه در حدود ۲۰۷ میلیون دلار بود و سپس به ۲۷۵ میلیون دلار رسید. چندی بعد، رقم ۴۷۵ میلیون را پیشنهاد کردید و همین امروز بحث ما بر سر این بود که آیا هزینه‌ها بطور تقریب به ۴۴۰ میلیون دلار می‌رسد یا خیر." آقای توکلی افزود: "چنانچه کار به این ترتیب پیش برود، ممکن است این پروژه چند صد میلیون دلار دیگر هزینه بردارد"، و به پارسونز- جوردن دستور داد که "علت افزایش هزینه‌ها را بررسی کنید. منظورم اینست که من نمی‌توانم روزها و ماهها در دفترم شاهد باشم که جوردن در پاسادینا نامه یا پیامی مبنی بر افزایش هزینه‌ها ارسال می‌کند." مدیر عامل صنایع مس سپس در پاسخ به توضیح مشخص پارسونز- جوردن اظهار داشت: "شما در حال حاضر باید توجه خود را به مسائل مهمتری مانند اسکلت فلزی، خرید، مدیریت و اداره دفتر تهران معطوف نمایید. من از روزی که به این شغل منصوب شدم از دفتر تهران شکایت داشتم ... بلی خلاف کاریهای زیادی در محل اجرای پروژه و همچنین در تهران صورت گرفته است."

۹۲- با توجه به موارد مذکور در بالا، ادعای خواننده دایر بر اینکه "قبل از عزیمت پرسنل آناکاندا از ایران، مطلقا" از نقایص پروژه بی‌خبر بود" صادقانه نیست. ادله فراوانی در دست است که نشان می‌دهد صنایع مس حتی از سال ۱۹۷۴ کاملا" در جریان

مشکلات پروژه بوده است. در واقع، بطوریکه دیوان ملاحظه می‌کند این آناکاندا بود که بسیاری از مشکلات مورد بحث را به اطلاع خوانده رساند.

۹۳- بنابراین اطلاع همزمان صنایع مس از نابسامانیهای مبتلابه پروژه، دلالت بر این دارد که عدم ابراز هرگونه نارضایتی مهم نسبت به عملکرد آناکاندا طی دوره قرارداد، عمدی بوده است. واضح است که خوانده هیچگاه آناکاندا را مسبب مشکلات خود تلقی نمی‌کرد. بررسی دقیق‌تر سوابق، موضع اتخاذی خوانده را بیشتر روشن می‌کند. مقدماتاً دیوان خاطر نشان می‌سازد که صنایع مس نه تنها از کار آناکاندا شکایتی نکرده، بلکه در واقع از خدمات خواهان تقدیر هم کرده است. برعکس، سوابق حاکیست که خوانده پارسونز- جوردن را مسئول می‌دانست و در حقیقت، پیمانکار اصلی تا حد زیادی به تقصیر خود معترف بود. مضافاً بنابه مدارک، سلسله عوامل دیگری که اغلب آنها به خود خوانده قابل انتساب است، در ایجاد مشکلات پروژه نقش مهمی داشته‌اند. و بالاخره، دیوان ملاحظه می‌کند که در سوابق، قرائن محکمی وجود دارد که صنایع مس عملاً مانع اجرای تعهدات خواهان برابر قرارداد کمک‌های فنی گردید.

۹۴- شاید آنطور که خوانده در لوایحش اظهار می‌دارد، این فرض واقع بینانه باشد که بعضی از تعارفات صنایع مس از آناکاندا صرفاً جنبه اظهار تشکر در چهارچوب روابط اداری داشته است و بس. به عنوان نمونه، می‌توان نامه‌ای را ذکر کرد که رئیس آناکاندا در هنگام انتصاب آقای توکلی به مدیریت عامل صنایع مس، از مشارالیه دریافت کرده بود. نامه آقای توکلی حاوی عبارتی به این شرح است: "با اغتنام فرصت، از همکاری نزدیکی که شما و سایر همکارانتان در گذشته مبذول نموده‌اید تشکر کرده، آرزو دارم که برای توفیق پروژه سرچشمه این همکاری در آینده نیز به بهترین وجه ادامه پیدا کند." به عنوان نمونه دیگری از این قبیل

تعارفات، می‌توان از تلکس مورخ ۲۸ دیماه ۱۳۵۵ [۱۸ ژانویه ۱۹۷۷] نام برد که طی آن آقای توکلی، ضمن سایر مطالب، به آناکاندا اعلام داشت: "ما در ایران همواره در زمینه بهبود وضع فنی و اقتصادی این پروژه از شرکت آناکاندا مشورت خواسته‌ایم و نظر مشورتی و پاسخ آن شرکت به خواسته‌هایمان را ارج نهاده‌ایم." آقای دکتر ضرغامی، جانشین آقای توکلی نیز در نامه مورخ نهم آبانماه ۱۳۵۶ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۷] خود گفت: "نقش آناکاندا در این کار خطیر هرگز فراموش نخواهد شد."

۹۵- در مواردی دیگر، رضایت ظاهری صنایع مس از کار آناکاندا به نحو ظریف‌تری ابراز شده‌است که به عنوان نمونه‌ای از آن می‌توان از کنفرانس مورخ اول و دوم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۳ و ۲۴ اوت ۱۹۷۶] نام برد که با حضور طرف‌های قرارداد در محل دفتر مرکزی پارسونز-جوردن تشکیل شد. آقای توکلی که در تمام مدت کنفرانس در کنار خواهان حضور داشت، به پیمانکار اصلی اطمینان داد که: "افراد ما و کسانی که در سرچشمه به کار مشغولند، اعم از اینکه کارمند آناکاندا یا هر شرکت دیگری باشند، نهایت همکاری را مبذول خواهند نمود." وی در جواب درخواست پارسونز-جوردن دایر بر اینکه: "ما هنوز هم به همکاری شما نیازمندیم"، اظهار داشت: "همیشه داشته‌ایم ... فکر می‌کنم همیشه همکاری خیلی نزدیک داشته‌ایم ... ما همیشه ... همکاری می‌کنیم." نظرات مساعد صنایع مس در اطلاعیه‌هایی که خواهان در همان زمان منتشر کرده، منعکس است. برای مثال، در گزارش وضعیت مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [دوم مه ۱۹۷۴] آمده است: "آقایان پلیس [Place] و نیازمند رضایت کلی خود را از نحوه پیشرفت پروژه ابراز کردند." همچنین، آقای کینگ در نامه مورخ چهارم دیماه ۱۳۵۶ [۲۵ دسامبر ۱۹۷۷] خود خطاب به رئیس آناکاندا نوشت: کارمندان آناکاندا "افرادی بسیار قابل‌اند و همانطور که آقای توکلی تصدیق می‌کند، برای این پروژه بسیار ارزشمند و مثمرتر بوده‌اند." بطور خلاصه، چنانکه آقای کینگ طی شهادتنامه‌ای که خواهان تسلیم کرد، تسایید

نمود: "مدیرعامل در موارد متعددی نحوه انجام کار و گزارشدهی ما را در خصوص پروژه بسیار تحسین کرده است." (۶)

۹۶- اما مسئله مهم‌تر از تمجید آناکاندا اینست که خواننده در واقع پارسونز- جوردن را مسئول مشکلات پروژه می‌دانست. مکاتبات بین صنایع مس و پارسونز- جوردن که نسخه‌ای از آن در سوابق موجود است، به وضوح نشان می‌دهد که صنایع مس پیمانکار اصلی را مسئول می‌دانست. مکاتبات صنایع مس با آناکاندا به این استنتاج قوت بیشتری می‌بخشد. برای مثال، آقای توکلی طی تلکس مورخ ۲۸ دیماه ۱۳۵۵ [۱۸ ژانویه ۱۹۷۷] خود خطاب به خواهان اعلام داشت: "صمیمانه باید بگوئیم که پارسونز- جوردن، پیمانکار اصلی امور مهندسی و ساختمانی ما در گذشته آنطور که باید و شاید جوابگوی نیازمندیهای ما و متوجه وخامت کل وضعیت نبوده است." لذا مدیر عامل صنایع مس با استناد به قرارداد کمک‌های فنی از آناکاندا مشخصاً استمداد نمود که "برای تسریع در پیشرفت کار و نیل به اهداف پروژه، موضوع را با مدیران ارشد شرکت رالف ام. پارسونز طرح نماید." آقای کینگ متعاقب ملاقات‌های هشتم و نهم فروردینماه ۱۳۵۶ [۲۸ و ۲۹ مارس ۱۹۷۷] خود با رئیس پارسونز- جوردن، در تاریخ دهم فروردین [۳۰ مارس] در تایید موضع

(۶) در این رابطه، دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که آناکاندا در یادداشت داخلی مورخ ۱۷ فروردینماه ۱۳۵۸ [ششم آوریل ۱۹۷۹] خود مذاکره‌ای را توصیف می‌کند که در همان روز بین مدیر امور تولید و بازاریابی صنایع مس و نماینده آناکاندا طی یک دیدار خصوصی از لندن به عمل آمده بود. آناکاندا در تاریخ دوم فروردینماه ۱۳۵۸ [۲۲ مارس ۱۹۷۹] به صنایع مس اعلام کرده بود که چنانچه وجوه لازم‌التادیه را نپردازد، آناکاندا قرارداد کمک‌های فنی را فسخ خواهد کرد. بنگنید به: بند ۲۴ قرار اعدادی شماره ۱۶۷-۳-۶۵ که در 13 Iran-U.S. C.T.R. at 206 به چاپ رسیده است. برابر مفاد یادداشت مذکور در بالا، مدیر صنایع مس "اظهارداشت که اگر آناکاندا خارج از شرایط قرارداد، چندتن از افراد عالیرتبه خود را بطور موقت به سرچشمه اعزام نماید صنایع مس احتمالاً" بدهی خود را به آناکاندا تادیه خواهد کرد." به نظر می‌رسد که مدیر صنایع مس "تصور می‌کرد که ما مطالباتمان را وصول خواهیم کرد و قرارداد هم فسخ خواهد شد ولی در عین حال تصور می‌کند که صنایع مس مایل است که آناکاندا از طریق ارائه پرسنل برای کمک به راه‌اندازی کارخانه، مساعدت نماید."

صنایع مس نامه‌ای در خصوص موضوعاتی که مورد بحث واقع شده بود به پارسونز-جوردن نوشت، که عبارت پایانی آن به این شرح است:

در خاتمه باید مجدداً تأکید کنم که برنامه ساختمان مجتمع تغلیظ و کوره ذوب با مشکلات بسیار جدی مواجه است که از همان ابتدا وجود داشت. مسئولیت اصلی پارسونز-جوردن ارائه تخصص‌های مهندسی و ساختمانی برای انجام تعهدات قراردادی آن با صنایع مس است، به گونه‌ای که پروژه به موقع، به صورت مقرون به صرفه و کارآمد تکمیل گردد. صنایع مس شرکت پارسونز-جوردن را تا این حد در مقابل خود کاملاً جوابگو می‌داند.

۹۷- صنایع مس قبلاً طی جلسات مورخ اول و دوم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۳ و ۲۴ اوت ۱۹۷۶] طرف‌های قرارداد، از پارسونز-جوردن شدیداً انتقاد کرده بود. همانطور که در بند ۹۰ بالا ذکر شد، آقای کینگ از آناکاندا در همان جلسه به پارسونز-جوردن گفت که به صنایع مس پیشنهاد کرده است که چنانچه بهبود سریعی در پروژه حاصل نشود، پارسونز-جوردن را اخراج کند. مفاد صورتجلسه دلالت دارد که مدیر عامل صنایع مس نیز در این انتقاد شدید از عملکرد پارسونز-جوردن، با آقای کینگ کاملاً هم‌صدا بود. در پایان جلسه، آقای توکلی اولتیماتوم روشنی به شرح زیر خطاب به پارسونز-جوردن صادر کرد:

بسیار خوب، دستوراتی که به من داده شده مشخص است و تصور می‌کنم که ما سه ماه دیگر هم صبر می‌کنیم تا ببینیم نتیجه کار چه می‌شود. آنچه که ما منتظرش هستیم اینست که در ماه سپتامبر ۷۷ این مجتمع شروع به تولید مس کند. این کل مطلب است، و می‌توانم به شما اطمینان بدهم که کارکنان ما و افرادی که از آناکاندا یا سایر شرکتها در سرچشمه کار می‌کنند، با شما نهایت همکاری را خواهند کرد. تا سپتامبر ۷۷ وقت زیادی نمانده. ما این سه ماه دیگر را هم منتظر خواهیم شد.

بعد از آنکه مدیر پروژه پارسونز-جوردن در جواب گفت: "آقای توکلی، من پیشنهاد می‌کنم که بجای سه ماه یکبار، ماهی یکمرتبه کار را کنترل کنیم و ماه آینده و ماههای بعد از آن هم به همین شدت امروز این کار را ادامه بدهیم، این پیشنهاد منست." مدیر عامل صنایع مس اضافه کرد: "بعد از سه ماه اقدامی بسیار ... جدی‌تر خواهیم کرد."

۹۸- صورتجلسه نشان می‌دهد که پارسونز- جوردن بسیاری از تقصیراتی را که در ارتباط با وضعیت کلی و همچنین امور خاص پروژه به آن شرکت نسبت داده شده بود، پذیرفت. برای مثال، آقای جنتری از پارسونز- جوردن، ضمن بحث پیرامون بازده کار در قسمتهای غیر فنی اعتراف کرد که :

بازده کار ما بسیار پائین و بطور حتم اینطور است. به نظر من، این نقص، بازتاب نحوه سازمان‌دهی کار و عدم نظارت در این قسمتهای بخصوص است، به این علت که ما پراکنده‌ایم. اشخاص علاقمندند که تمام توجه خود را صرف مسائل بزرگ کنند و به قسمتهای متعدد کوچک‌تر گوشه و کنار که نیروی انسانی به نحوی نه چندان عاقلانه در آن مصرف می‌شود، توجه ندارند. ارقام، خود گویای این واقعیت هستند.

در پاسخ به انتقاداتی که از دفتر پیمانکار اصلی در تهران به عمل آمد، آقای پدرسن از پارسونز- جوردن ضمن مطالبی اظهار داشت: "راجع به این موضوع نمی‌توانم با شما بحث کنم. من یک جواب هم در این خصوص به شما نمی‌دهم، بعضی از مشکلات حسابداری ما اسفناک است. راجع به این مسئله ابداً" نمی‌توانم بحث کنم."

۹۹- آقای کنارد از پارسونز- جوردن، در اولین روز جلسه طی اظهارنظر کلی راجع به موضوعاتی که آقای کینگ طرح کرده بود، اظهار داشت:

به نظر ما، توجه به انتقاداتی که هوارد امروز صبح مطرح کرد از لحاظ ضوابط بازدهی و کارآیی و قدری انضباط در انجام کار خیلی خیلی اهمیت دارد. من با شما موافقم. صرفنظر از این، من پیشنهاد می‌کنم که برگردیم پشت میزهای نقشه‌کشی‌مان و چند حرکت سازنده انجام بدهیم تا ایراداتی که شما مطرح کردید و ما هم قبول داریم، و باید برای آن ترتیبی بدهیم، رفع گردد.

در جلسه‌ای که روز بعد با حضور طرف‌های مربوط تشکیل شد، آقای کنارد چنین ادامه داد:

همانطور که قول داده بودیم ما چند ساعت از وقت پشت میز نقشه‌کشی صرف کردیم و به تدارک برخی مقدمات پرداختیم. اما باید خاطرنشان کنم که ما صحبت‌های شما را کاملاً" گوش کردیم. تمام نکات و ایراداتی را که طرح کردید شنیدیم و نمی‌توانیم مخالفتی داشته باشیم. تنها چیزی که می‌توانم

بگویم اینست که ما از قبل دست به کار [رفع ایرادات] شده بودیم.

در همان جلسه، آقای جنتری از شرکت پارسونز- جوردن در شرح مذاکراتی که با کارمندان آن شرکت در محل اجرای پروژه داشت، گزارش داد:

پیام من به آنها این بود: باید رفتارمان را اصلاح کنیم. ما نمی‌توانیم با این مقدار پیشرفت و با این نوع بازدهی که تا بحال داشته‌ایم به کار ادامه بدهیم. پس از بررسی اعداد و ارقام و بحث با ایشان راجع به سازمان و پاسخ دادن به سوالاتشان، به آنها گفتم: آقایان، موقعیت شغلی‌تان در خطر است. بروید و دست به کار شوید.

۱۰۰- با این ترتیب، خواننده پیمانکار اصلی را مسئول می‌شناخت و پیمانکار مزبور نیز تا حدود زیادی مسئولیتهای خود را پذیرفت (۷). این عوامل اعتبار دعاوی متقابل بعدی خواننده علیه آناکاندا را، خاصه از این جهت که خواننده ظاهراً "آناکاندا را مسبب منحصر به فرد کلیه مشکلات می‌شناسد، شدیداً" سست می‌کند. بطوریکه صنایع مس "کلا" ادعا کرده، "عدم شروع بهره‌برداری پروژه در تاریخ مقرر یا از بی‌لیاقتی آناکاندا در برنامه ریزی و ارزیابی فنی و زمان‌بندی برنامه یا از عدم نظارت صحیح، یا از هر دوی آنها ناشی می‌شود و نه از هیچ عامل خارجی." این ادعا به وضوح با موضع خواننده که همواره قصور را منحصرأ متوجه پارسونز- جوردن می‌دانسته، مغایرت دارد. مضافاً همانطور که در بند ۹۳ بالا گفته شد، دیوان ملاحظه می‌کند که ادله موجود حاکی از چند عامل دیگر نیز هست که منشأ هیچیک از آنها را نمی‌توان در عملکرد آناکاندا در قرارداد کمک‌های فنی جستجو کرد. در حقیقت، بطوریکه دیوان ملاحظه می‌کند، علت بسیاری از این مشکلات ظاهراً "به

(۷) در این رابطه، دیوان ملاحظه می‌کند که صنایع مس در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹] ژانویه ۱۹۸۲] یعنی قبل از تسلیم ادعاهای متقابل خود در پرونده حاضر، ادعایی نزد دیوان ثبت کرد و طی آن همان مبلغ خسارت را نه تنها از آناکاندا بلکه از پارسونز- جوردن نیز خواستار شد. چون ادعای اخیرالذکر خواننده علیه شرکت‌های یاد شده و نه دولت ایالات متحده طرح شده بود، روسای مشترک دفتر دیوان در تاریخ ۱۸ شهریورماه ۱۳۶۱ [۱۹] سپتامبر ۱۹۸۲] از ثبت این ادعا به دلیل عدم انطباق با بیانیه حل و فصل دعاوی امتناع کردند و دیوان با صدور تصمیم شماره 72-Ref50-2 مورخ اول دیماه ۱۳۶۶ [۲۲] دسامبر ۱۹۸۷]، که در 17 Iran-U.S. C.T.R.346 به چاپ رسیده، این امتناع از ثبت را تایید کرد.

خود خواننده قابل انتساب است. فهرست عواملی که خارج از اختیار آناکاندا بوده بسیار طولانی است و در بندهای ذیل چند نمونه از آن‌ها ذکر می‌شود.

۱۰۱- در گزارش وضعیت کلی مورخ ۱۲ اریبهشت ماه ۱۳۵۳ [دوم مه ۱۹۷۴] آناکاندا، وضع مسکن چنین توصیف شده است: "مشکل مسکن، اگر مهم‌ترین نباشد، در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مسایلی است که مس سرچشمه با آن مواجه است." در همان گزارش اضافه شده است: "بسیار بعید است که حتی تا نیمه دوم سال ۱۹۷۴ نیز خانه‌های موقت برای سکونت آماده شود. در نتیجه، کارمندان، اعم از خارجی و ایرانی بی‌نهایت ناراضی و ناراحتند. محل سکونت فعلی مردان مجرد در محل معدن، به سختی تکافوی احتیاج می‌کند." از اینرو آناکاندا هشدار داد: "تا زمانی که این وضع برقرار است، می‌توان انتظار داشت که عده زیادی از کارمندان از ادامه کار منصرف شوند. تحت این شرایط، استخدام افراد اعم از ایرانی یا خارجی بسیار دشوار است."

۱۰۲- نامه مورخ ۲۰ مردادماه ۱۳۵۴ [۱۱ اوت ۱۹۷۵] پارسونز- جوردن به صنایع مس نشان می‌دهد که نگرانی آناکاندا بابت مسکن موجه بوده است. در اکتبر ۱۹۷۳ پارسونز- جوردن طرحی برای تصویب به صنایع مس عرضه کرد که براساس آن شهرک تا دسامبر ۱۹۷۴ از هر لحاظ آماده می‌شد. در نامه فوق‌الذکر آمده است: "متأسفانه چون اجازه اجرای این طرح به ما داده نشد، برنامه ما با تأخیر بسیار جدی مواجه شد." با اینکه خواننده قبلاً توصیه کرده بود که از خانه‌های چوبی طرح یوگسلاوی استفاده شود، به پارسونز- جوردن دستور داد "کلیه کارگران و مصالح کار لازم برای تمام شهرک را از طریق پیمانکاران محلی تأمین نمایید." لیکن پیمانکار اصلی شکایت داشت که "کار پیمانکاران فرعی بسیار کند پیش می‌رود و به نظر می‌رسد که قرارداد تا اکتبر ۱۹۷۵ تکمیل نخواهد شد." پارسونز- جوردن نامه خود را چنین به پایان رساند:

بدیهیست که این امر، سازماندهی افراد لازم در محل پروژه و شروع همه جانبه کارهای ساختمانی را بطور جدی به تاخیر انداخته است بخاطر این وضعیت، ما چند نفر از افراد مهم خود را از دست داده‌ایم و خانه‌های شهرک پروژه هنوز آماده نشده‌اند. برآورد دقیق وقت از دست رفته به دلیل شرایطی که فوقاً ذکر شد، مشکل است ولی بر اساس تجربه عملی، برآورد من اینست که شروع کار حداقل شش‌ماه به تاخیر می‌افتد. البته اگر دلسردی و سرخوردگی کارگران ساختمانی را، که علیرغم این موانع پیش‌بینی نشده برای پیشبرد کار تلاش می‌کردند، به حساب نیاوریم.

۱۰۳- آقای ویتکام، رئیس آناکاندا طی نامه مورخ نهم اسفندماه ۱۳۵۳ [۲۸ فوریه ۱۹۷۵] خود به آقای نیازمند مدیر عامل صنایع مس، بر "ضرورت اینکه شرکت سرچشمه باید شروع به استخدام پرسنل بهره‌برداری از کارخانه بنماید" تاکید کرد. در آن نامه توضیح داده شد که: "رویه معمول اینست که کارکنان ارشدی که بعداً مسئول بهره‌برداری و نگهداری یک مجتمع متالورژی می‌شوند، در طول مراحل طراحی و ساختمان پروژه انتخاب گردند.... زیرا در این مرحله است که وجود متخصصین بهره‌برداری در دفتر طراحی پروژه بسیار سودمند واقع می‌شود." بر این اساس، آقای ویتکام نتیجه‌گیری کرد که: "لازمست کارکنان صاحب تجربه در بهره‌برداری، در اثنای بروز اشکالات طرح، در مرحله ساختمان در محل حضور داشته باشند تا بتوان برای یافتن بهترین راه حل از نظر بهره‌برداری، در همانجا به سرعت تصمیم گرفت."

۱۰۴- با این حال، نامه کینگ حاکی از آنست که صنایع مس به پیشنهادات آناکاندا عمل نکرد:

آخرین نکته که اهمیتش کمتر از بقیه نیست، نگرانی من در مورد تامین پرسنل ماهر برای بهره‌برداری و نگهداری این تاسیسات بسیار پیچیده و پیشرفته‌ای است که دست به کار ساختن آن هستیم. من در این زمینه تجربیات فراوانی دارم و گستردگی و پیچیدگی مشکلات آنرا درک می‌کنم. با توجه به اینکه قرار است در مدتی کمتر از یکسال قسمتی از کارخانه کار

خود را شروع کند، مسئله تامین پرسنل بهره‌برداری و نگهداری بی‌نهایت اهمیت پیدا می‌کند. آقای توکلی! اقداماتی که تاکنون نسبت به استخدام و آموزش پرسنل به عمل آمده بسیار ناچیز است و برای انجام این مهم دیگر خیلی دیر شده است. ما ناچار به رقابت در یک بازار کار محدود هستیم و نمی‌توانیم انتظار جذب عده زیادی کارگر ماهر را به یک معدن دور افتاده واقع در یک منطقه کوهستانی داشته باشیم که بصورت نوبتی که مطلوب کسی نیست، برای ما کار کنند. اعتقاد صادقانه من اینست که پرسنل مدیریت معدن در مرکز که عهده‌دار تامین نیروی انسانی این پروژه هستند، عظمت این مشکل را درک نمی‌کنند و اگر در نحوه برخورد و روش‌های کار سریعاً تغییری حاصل نشود، من پیش‌بینی می‌کنم که عواقب وخیمی ببار آید.

۱۰۵- برابر گزارش مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [دوم مه ۱۹۷۴] آناکاندا در مورد وضعیت کلی پروژه "یک مانع عمده که خارج از اختیار گروه مستقر در سرچشمه بود، شرایط بسیار بد جوی در ماههای ژانویه، فوریه و تا اواسط مارس بود. حداقل دو ماه فرصت انجام کار سازنده در این فصل از بین رفت. روحیه پرسنل بی‌نهایت پائین بود." به عنوان نمونه‌های دیگری از این قبیل عوامل خارجی، در صورتجلسات مورخ اول و دوم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۳ و ۲۴ اوت ۱۹۷۶] طرف‌های قرارداد ذکر شده است که روزهای کار از دست رفته در ماه قبل، عمدتاً "معلول سیل و آشوب‌های کارگری بوده است.

۱۰۶- همانطور که گزارشات شدیداً انتقادآمیز مذکور در بند ۸۷ بالا نشان می‌دهد، بسیاری از اشکالات پروژه را می‌توان به پیمانکاران مختلف نسبت داد. نامه مورخ دهم شهریورماه ۱۳۵۶ [اول سپتامبر ۱۹۷۷] آقای کینگ، به معاون مدیر عامل صنایع مس، که در آن زمان مدیر عامل نداشت، نقایص کار برخی از پیمانکاران را به روشنی مشخص می‌کند:

چنانکه آگاهی دارید، کار ساختمان سد خاکی بطور کامل متوقف شده و ماهیاست که وضع به همین منوال بوده است. پیمانکار، یعنی شرکت اریکان کار خود را در اوایل سال گذشته به اسکو واگذار کرد و اکنون اسکو حتی تظاهر به علاقمندی به تکمیل کار نیز نمی‌کند. قسمت عمده تجهیزات و کلیه پرسنل و ناظر پروژه از محل خارج شده‌اند.

در ارتباط با مقاطعه کار دیگری، آقای کینگ چنین اظهار نظر کرد:

در بررسی وضعیت ساختمان سیستم بازیافت آب (کانال باطله و لوله‌های برگشت آب) به این نتیجه رسیده‌ایم که هر چند یاسا (مقاطععه کار کانال بتونی) به ادامه کار خود مشغول است، ولی خیلی از برنامه عقب است و کار قابل قبول عرضه نمی‌کند و بنظر می‌رسد که برای دنبال کردن کار نه علاقه و نه پول لازم را داشته باشد. اینک محرز است که یاسا کار کانالها را به موقع برای راه‌اندازی کارخانه تکمیل نخواهد کرد.

معهدا، همانطور که آناکاندا در گزارش پیشرفت کار ماه اوت ۱۹۷۶ متذکر شده بود : "به هر دلیل که هست، ما از طالبانی - دفتری عکس‌العملی که حاکی از توجه آنها به این مسئله، باشد، مشاهده نمی‌کنیم." در تلکس مورخ چهارم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۶ اوت ۱۹۷۶] ضمن اشاره به جلسه‌ای که با حضور این شرکت مهندسی، راجع به مشکل فرار آب از سد رسوبگیر تشکیل شده بود، آمده است: "مانند گذشته آنها نتوانستند به سؤالات ما پاسخ بدهند و هیچ کوششی نیز برای کسب اطلاعات به خرج نداده بودند."

۱۰۷- در لیستی که پارسونز- جوردن در تاریخ ۲۲ خردادماه ۱۳۵۴ [۱۲ ژوئن ۱۹۷۵] تحت عنوان "عوامل تاخیر و مشکلات" برای آقای توکلی فرستاد، به "عملکرد بد برخی از پیمانکاران جزء" نیز اشاره شد. در این لیست، عواملی به شرح زیر مشخص شده است که هیچیک به خواهان قابل‌انتساب نیست: نبودن اطلاعات فنی، ساخت تیر آهن در ایران (۸)، خرید اqlام از نقاط مختلف دنیا،

(۸) در این خصوص، پارسونز- جوردن به صنایع مس توضیح داده است: "ملزم کردن ما به اینکه کلیه اسکلت‌های فلزی را در ایران بسازیم، دفتر ما را در اینجا و نیز در امریکا با مشکلاتی مواجه کرده که بعضی اوقات ظاهراً" چاره ناپذیر به نظر می‌رسند. این امر موجب اقدامات اضافی مفصل برای خرید گردید و پارسونز- جوردن را مجبور کرد که در بحران کمبود آهن در دنیا، آهن مورد نیاز سازندگان ایرانی را خارج از نوبت تهیه کند. سازندگان امریکایی (که بلحاظ خریدهای سال قبلشان اولویت دارند) می‌توانستند با استفاده از این حق تقدم آهن لازم را خریداری و ساخت آهن آلات لازم را از ماهها قبل شروع کنند. مضافاً اینکه بی‌اطلاعی سازندگان ایرانی در ساخت اسکلت‌هایی از این نوع تاخیر قابل توجهی ایجاد کرده است."

تاخیر در حمل کالا (۹) تاخیر در خرید و راه انداختن کارخانه دانه‌بندی بتن و ایستگاه مرکزی بتن سازی (۱۰)، تاخیر در اسکان کارگران ماهر، تاخیر در اسکان پرسنل خارجی متاهل، تهیه سیمان (۱۱)، ارزیابی پیشنهادات شرکت در مناقصه، اشتباه محاسبه در مناقصه‌ها، ترخیص کالا از گمرک، شرایط متعدد برای خریدهای کوچک و تاخیر در نهایی کردن قراردادهای کارگری.

(۹) پارسونز- جوردن به خواننده اطلاع داد که: " شرط اولیه حمل کالا با کشتی‌های ایرانی، موجب تاخیرات زیادی شده، زیرا کشتی‌های مذکور برای بارگیری به کالاهای نظامی اولویت می‌دهند. البته بدنبال صدور مجوز استفاده از شرکت‌های کشتیرانی که نرخشان با کشتیرانی ایران قابل رقابت باشد، این مشکل تخفیف یافته، ولی از طرف دیگر، ازدحام کشتی‌ها در تاسیسات بندری، مدت حمل کالا را به مراتب بیشتر از آنچه که ما پیش‌بینی می‌کردیم، طولانی نموده است."

(۱۰) مدیر پروژه پارسونز- جوردن به آقای توکلی نوشت: "...اطلاع یافته‌ایم که سرچشمه کارخانه دانه‌بندی بتن و ایستگاه مرکزی بتن‌سازی را خریداری کرده تا با استفاده از آن بتن از پیش مخلوط شده را برحسب نیاز پروژه در اختیار پارسونز- جوردن بگذارد. به همین دلیل، ما اقدام به خرید ماشین‌آلات مزبور برای تامین نیازهای ساختمانیمان نکردیم. متأسفانه این ماشین‌آلات به تازگی، یعنی چندین ماه دیرتر از موعد مقرر به راه افتاده و اجازه بهره‌برداری از آن اکنون به پارسونز- جوردن واگذار شده است." در نامه دیگری که پارسونز- جوردن در تاریخ ۱۹ آبان‌ماه ۱۳۵۴ [دهم نوامبر ۱۹۷۵] به صنایع مس نوشته مشخص شده است که ماشین‌آلات مورد بحث بایستی طبق برنامه قبلی از ژانویه ۱۹۷۴ شروع به کار می‌کردند، لکن ایستگاه مرکزی بتن‌سازی تا اکتبر ۱۹۷۴ راه نیفتاد و کارخانه دانه‌بندی بتن تنها در فوریه سال بعد آماده شد.

(۱۱) پارسونز- جوردن به صنایع مس اطلاع داد که: " اولین محموله سیمان که سرچشمه در اختیار ما گذاشت به قدری خراب بود که نمی‌شد از آن به عنوان بتن در ساختمان استفاده کرد. در حال حاضر سیمان در حدی فراهم نمی‌شود که بتوان برای احداث بنا با استفاده از حداکثر ظرفیت بتن‌ریزی کرد. هر یک از این مشکلات مربوط به سیمان، اثر تاخیری در پروژه داشته است. تمام اقدامات برنامه‌ریزی شده برای بازیافت [آب] بستگی به مهیا شدن سیمان کافی و بتن‌ریزی با حداکثر ظرفیت دارد." در نامه مورخ ۱۹ آبان‌ماه ۱۳۵۴ [دهم نوامبر ۱۹۷۵] پارسونز- جوردن خاطرنشان شده است: " عملیات بتن‌ریزی با توجه به بازده دستگاه بتن‌ساز ... کمبود کامیونهای بتونریز به سبب درگیری آنها در سایر جاها و از کار افتادن کامیونهای موجود در اثر کثرت استفاده از آنها و نتیجتاً عدم تعمیر و نگهداری مناسب، محدودیت پیدا کرده است."

۱۰۸- سوابق مشحون از چنین نمونه‌هایی است. مدارک نشان می‌دهد که صنایع مس به کرات در شرح کار تغییرات عمده‌ای داد(۱۲). بخش تدارکات آن شرکت معمولاً به سفارشات خرید واقعی نمی‌گذاشت (۱۳). در اثر مشکلات مربوط به تونلها، ظرفیت

(۱۲) برای مثال، یادداشت داخلی مورخ هشتم مهرماه ۱۳۵۴ [۳۰ سپتامبر ۱۹۷۵] آناکاندا حاکی است که تجدید نظر در برآورد هزینه پارسونز- جوردن ناشی از "تغییراتی بود که مس سرچشمه در سه ماهه سوم ۱۹۷۳ در شرح کار داده بود تا براساس آن کارخانه طوری طراحی و ساخته شود که بتوان ظرفیت تولید آنرا در مدت کوتاهی صد در صد توسعه داد. این موضوع در مطالعات توجیهی پیش‌بینی نشده بود و من آن را در برآوردهای خود برای ساخت تاسیسات منظور نکرده‌ام. این تغییر شرح کار می‌تواند هزینه‌های سرمایه‌ای ساختمان را حداقل به میزان ۲۰ درصد بالا برد. چرا که بدین منظور محوطه بایستی توسعه می‌یافت و در نتیجه، خاک برداری بیشتر و لوله‌کشی و سیم کشی طولانی‌تر [برای آب و برق] ضرورت پیدا می‌کرد. علاوه بر این، لوله‌کشی و نصب سایر تاسیسات لازم برای دو برابر ۴۰,۰۰۰/- تن تولید روزانه لازم صورت می‌گیرد. مقدار بتن مورد نیاز به مراتب بیش از حدی است که برای تولید روزانه ۴۰,۰۰۰ تن پیش‌بینی شده زیرا برای تامین ظرفیت کامل روزانه ۸۰,۰۰۰/- تن، فونداسیون‌های محکم‌تر و مقاوم‌تری ساخته می‌شود. برای تحقق توسعه ظرفیت مورد نظر، لازم بود در برخی طرحهای عملیاتی تجدید نظر شود، از جمله اینکه تصمیم گرفته شد به جای یک دودکش ذوب دو دودکش ذوب ساخته شود و البته از نظر اندازه نیز دودکش‌ها باید دو برابر اندازه مورد نیاز در مرحله اول باشند و نیاز به تعبیه وسایل نگهدارنده گوه‌زنی در بالای دودکش دارند تا با نصف ظرفیت تعیین شده برای آنها عمل کنند. هزینه‌های اضافی ناشی از تصمیمات متعدد در خصوص اندازه تسمه‌های نقاله و نیروی برق مورد نیاز برای نیل به هدف ۱۰۰ درصد توسعه ظرفیت ... را مشکل می‌توان از کل برآوردهای پارسونز- جوردن استخراج کرد، ولی رقم آن کلان خواهد بود."

(۱۳) آناکاندا حتی در تاریخ مقدمی، یعنی ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [دوم مه ۱۹۷۴] اخطار کرد که "گروه تدارکات سرچشمه احتیاج مبرمی به کمک دارد که ما داوطلب عرضه آن بوده‌ایم. آنها کاملاً متوجه عظمت پروژه نیستند و روش‌های مورد قبول و صحیح تدارک کالا را نیز درک نمی‌کنند." صورت جلسات طرف‌های قرارداد در تاریخ‌های اول و دوم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۳ و ۲۴ اوت ۱۹۷۶] این موضوع را بیشتر مدلل می‌سازد. مدیر پروژه پارسونز- جوردن، ضمن بحث راجع به سایر مسائل، به آقای توکلی گفت: "تا زمانی که این مجوزها صادر نشود، غیرممکن است بتوانیم در اینجا کارهای مهندسی‌مان را تکمیل کنیم. ما لیستی از ۱۳۳ مورد درخواست مجوز داریم که هنوز معوق مانده و اقدامی در خصوص آنها به عمل نیامده است. باید بگویم که این لیست در پنج ماه گذشته همین وضع را داشته، مواردی که نیاز به تصویب داشته تقریباً همانست و مادام که این مسایل حل نشده، ما نمی‌توانیم کارهای مهندسی را به اتمام برسانیم. از نظر کارهای مهندسی کارخانه مولی (Moley)، عملاً متوقف شده‌ایم، زیرا مجوزهای خرید تجهیزات صادر نشده و مادام که نمی‌دانیم چه وسایلی باید بخریم، نمی‌توانیم کارهای طراحی را تکمیل کنیم. بنابراین دریافت مجوزها خیلی اهمیت دارد." آقای پدرسسن با ذکر درخواست پارسونز- جوردن

جاده و اخذ مجوزهای دولتی، قریب یکسال طول کشید تا پیمانکار مسئول حمل و نقل تجهیزات اساسی را از بندرعباس به محل اجرای پروژه حمل کند. (۱۴) بانک مرکزی باعث شد که در حدود ۲۵ محموله تجهیزات الکتریکی توقیف گردد. کمبود مصالح ساختمانی در محل اجرای پروژه کاملاً محسوس بود. افزایش چشمگیر در فعالیتهای ساختمانی در خاورمیانه منجر به کمبود کارگر ماهر و رقابت شدید برای استخدام سرپرستان مجرب شد، (۱۵) و موجب گردید که قیمت مصالح و تجهیزات ساختمانی

برای یک جرثقیل کششی (drag crane) به عنوان نمونه، اظهار داشت: "در ماه آوریل تقاضای خرید جرثقیل را فرستادیم و خبری نشد. دوباره در ماه ژوئن آنرا تکرار کردیم که باز هم جوابی به ما داده نشد. در ماه ژوئیه که برای آخرین بار یادآوری کردیم، تنها چیزی که در جواب دریافت نمودیم، این بود که شرکت بروکن (Brevcon) برنده مناقصه شده است. و از ما خواستند که مستقیماً به سازنده مراجعه کنیم و ما دقیقاً همان مظنه را از شرکت مزبور گرفته‌ایم اما هنوز خبری از خرید جرثقیل نیست. این نمونه بارزی از مشکلات است."

(۱۴) مدیر پروژه پارسونز-جوردن در جلسه‌ای به [نمایندگان] صنایع مس اظهار داشت: "این موضوع واقعاً برای ما مشکل ایجاد کرده است. ما از پیشرفت کار صحبت می‌کنیم، ولی واقعاً در صورتی می‌توانیم پیشرفت کار داشته باشیم... که این تجهیزات در اختیارمان باشد. این تجهیزات ماهیاست که وارد ایران شده... کار ما در کارخانه متوقف شده به این علت که نمی‌توانیم این تجهیزات را به محل کار حمل کنیم."

(۱۵) معاون ارشد پارسونز-جوردن طی نامه مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۵۶ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۷] خود در خصوص افزایش هزینه‌ها به آقای توکلی اطلاع داد: "آمار منتشره در انجینیرینگ نیوز رکورد (Engineering News Record) در مورد شرکتهای بین‌المللی مهندسی و ساختمانی در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ نشان می‌دهد که در فاصله ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ کل قراردادهای ۶۰ درصد افزایش یافته و پروژه‌های خاورمیانه فقط در سال ۱۹۷۵ به میزان ۱۹۳ درصد افزایش پیدا کرده است. این افزایش تأثیر چشمگیری در ظرفیت ساختمانی بالادست در پروژه‌های خارجی گذاشته است. این افزایش سنگین [کارهای ساختمانی] در خاورمیانه، موجب بالا بردن فوق‌العاده تقاضا برای نیروی کار ماهر و پرسنل ناظر پروژه‌ها شده و بر تعداد افراد مجرب موجود در صنعت ساختمانی بین‌المللی فزونی دارد. اثر غایی چنین رونقی در [کارهای ساختمانی] خاورمیانه، کاهش کارآیی و ۴۰ درصد افزایش در نیاز به پرسنل ناظر بود. تقاضا برای پرسنل سبب ایجاد رقابت شدید در بازار برای استخدام سرپرست و کارگر ماهر شد و این امر بالادست در پروژه سرچشمه اثر گذاشت."

بطور سرسام آوری بالا رود. (۱۶)

۱۰۹- ویتکام، رئیس آناکاندا در شهادتنامه‌ای که توسط خواهان تسلیم شده، اعلام داشت که به آناکاندا "صراحتاً" گفته شده بود که مسئله کنترل آلودگی محیط زیست ابداً مطرح نیست و به صنایع مس ارتباطی ندارد و صنایع مس به آناکاندا و بعداً به پارسونز-جوردن دستور داده بود که کوره ذوب را بدون توجه به موضوع آلودگی محیط زیست طراحی کنند. (۱۷) گزارش مورخ ۳۱ خردادماه ۱۳۵۳

(۱۶) آناکاندا در یادداشت داخلی مورخ هشتم مهرماه ۱۳۵۴ [۳۰ سپتامبر ۱۹۷۵] خود اثرات مزبور را به این شرح با ذکر اعداد و ارقام بیان می‌کند: "در اوایل سال ۱۹۷۳، افزایش هزینه مورد قبول عام در احداث تاسیسات متالورژی رقیمی بین ۴ تا ۵ درصد بود، ولی در نیمه دوم آن سال بود که قیمت‌ها سیر صعودی خود را آغاز کرد. ضریب کلی افزایش هزینه برای کارخانجاتی از این نوع احتمالاً به رقیمی بین ۱۸ تا ۲۰ درصد رسید. قیمت دستگاه‌های اساسی ۲۵ درصد و اقلام خاصی مانند لوله و سوپاپ ۴۵ درصد ترقی کرد. در سال ۱۹۷۴ قیمت دستگاه‌های اساسی روند صعودی خود را ادامه داد و ضریب متوسط افزایش آن از ۳۰ درصد هم تجاوز کرد. در همان سال، مصالح خاص ساختمانی، بخصوص وسایل الکتریکی و لوله بیش از ۴۰ درصد و ۵۰ درصد افزایش قیمت پیدا کرد. میانگین کل افزایش هزینه برای تمام کارخانه حدود ۲۳ درصد بود در سال جاری، ضریب افزایش هزینه کاهش یافته، ولی احتمال می‌رود که درصد کلی افزایش قیمت در پایان سال به ۱۲ تا ۱۶ درصد برسد." در یادداشت مذکور، آناکاندا ضمن تشریح چگونگی اثرات افزایش قیمت مورد بحث بر پروژه، به عنوان مثال متذکر می‌گردد: "قیمت برخی ماشین آلات سنگین کاترپیلار نسبت به تاریخ مطالعات توجیهی ۶۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است. پیش‌بینی می‌شود که هزینه ساختمان تاسیسات پشتیبانی معدن از اوایل سال ۱۹۷۳ تا امروز حداقل ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده باشد و تا پایان کار ساختمان به ۷۵ تا ۹۰ درصد برسد."

(۱۷) آقای ویتکام در مورد موضوع مشابهی اظهار داشت: "اکنون که بحث آلودگی مطرح شد، نمونه دیگری در ارتباط با سد رسوبگیر بخاطر می‌آید. هر چند که طرح سد رسوبگیر طبیعتاً به آناکاندا ارتباطی نداشت، و فکر می‌کنم یک پیمانکار ایرانی طراحی آنرا انجام می‌داد، معیناً یاد می‌آید که راجع به این مسئله با مسئولین صنایع مس بحث کردم. ما به صنایع مس پیشنهاد کردیم که روی موضوع مطالعه کنیم و دانش خودمانرا در خصوص روش موثر سیستم رسوبگیری (دفع مواد زائد) در اختیار آن شرکت بگذاریم. منظور ارائه روشی بود که بدانوسیله آب تصفیه شده به کارخانه بازگردد. و ضمن صرفه‌جویی در مصرف آب، موجب کاهش بالقوه آلودگی منتج از آن گردد. صنایع مس حاضر نبود برای تخلیه رسوبات جز به طریقه سنتی و ساده زهکشی طبیعی به اقدام یا مطالعه بدیع‌تری مبادرت نماید."

[۲۱ ژوئن ۱۹۷۴] پارسونز- جوردن به آقای نیازی در صنایع مس، اظهارات آقای ویتکام را تایید می‌کند. در این گزارش، آقای جوردن خاطر نشان ساخت که: "از ابتدای همکاری ما در این پروژه، به ما گفته شده است که چون کوره ذوب در وسط کویر واقع شده و در اطراف آن کشاورزی نخواهد شد، خطر بروز هیچگونه آسیب و صدمه‌ای وجود ندارد." با وجود این، پارسونز- جوردن مطالعاتی راجع به محیط زیست انجام داد. آقای جوردن پس از اعلام نتایج این مطالعات به صنایع مس، در نامه خود اضافه کرد که مطالب مزبور را صرفاً "به منظور آشنائی کامل شما با واقعیات بصورتی که بنظر ما می‌رسند، می‌نویسیم و تنها راهی را که برای حل مشکل [محیط زیست] می‌شناسیم به شما عرضه می‌کنیم تا چنانچه کاهش خروج گاز اکسید گوگرد (SO₂) ضروری تشخیص داده شد، مورد استفاده قرار گیرد." نامه مزبور چنین پایان یافت: از اینرو "بسیار سپاسگزار خواهیم شد اگر نظرات خود و تصویب ادامه طرح و ساختمان کوره ذوب را به صورتی که فعلاً برنامه‌ریزی شده ابلاغ نمائید." در سوابق، مدرکی حاکی از پیگیری این موضوع توسط خواننده مشاهده نمی‌شود.

۱۱۰- مدیر داخلی آناکاندا طی نامه مورخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۳۱ ژانویه ۱۹۷۹] به مدیر عامل صنایع مس، ضمن اشاره به تلکس مورخ ۲۷ دیماه ۱۳۵۷ [۱۷ ژانویه ۱۹۷۹] "راجع به بسیاری نکات مهم در خصوص آماده‌سازی زمستانی و تابستانی کارخانه مس و با اشاره به نامه‌ای که در همان تاریخ، وی [به صنایع مس] نوشته و " دستورالعمل تعمیر و نگهداری کارخانه را در مواقع توقف بهره‌برداری" اعلام کرده بود، اخطار نمود: " پی‌گیری فعالانه دستورالعمل‌های مندرج در مراسلات فوق‌الذکر و راه‌حلهایی که طی جلسات مختلف راجع به این موضوع ارائه شد، حایز نهایت اهمیت است." آناکاندا با تذکر این مطلب که "نکات عمده ذیل را قبلاً" متذکر گردیده ولی تکرار آنها را لازم می‌داند" و اینکه "مهندسين شاغل در کارخانه کاملاً" با این نکات آشنا هستند"، سلسله پیشنهاداتی را در مقوله‌های گوناگون از "پیاده کردن و راه انداختن تجهیزات سنگین، مانند آسیاب‌های گلوله‌ای (ball mills)،

کوره‌های آهک، سرندها، سنگ شکن‌ها، نوارهای نقاله، تغذیه کننده‌ها، خشک کن‌ها، استخرهای ته نشین کننده و صافی‌ها گرفته تا "روغنکاری تجهیزات و کارهای لازم برای حفظ آب بندی دستگاهها و جلوگیری از زنگ خوردگی" به صنایع مس ارائه کرد. لیکن سوابق دلالت دارد که هیچیک از پیشنهادات آناکاندا به مورد اجرا گذاشته نشد. در یادداشت مورخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۵۸ [ششم آوریل ۱۹۷۹]، که در پانویس ۶ بالا به آن اشاره شد، جمله‌ای از مدیر امور تولید و بازاریابی خوانده خطاب به آناکاندا بدین مضمون نقل شده است: "مطلقاً هیچ اقدامی صورت نگرفته است." برابر اظهار مدیر صنایع مس: "تجهیزات به این دلیل تعمیر و نگهداری نشده‌اند که کسی تخصص آنرا ندارد. آسیابهای گلوله‌ای و کوره‌های آهک‌پزی راه‌اندازی نشده و تجهیزات مهم نیز روغنکاری و تعمیر و نگهداری نشده‌اند."

۱۱۱- سوابق حاوی نمونه‌های فراوان دیگری از چنین عواملی است که خارج از کنترل آناکاندا بوده و بسیاری از آنها به خود صنایع مس قابل انتساب است. علیرغم اثرات آشکار این عوامل در توفیق پروژه، خوانده در ادعاهای خود علیه آناکاندا به این مدارک نمی‌پردازد. به همین منوال، خوانده در لوایح خود این قراین محکم موجود در سوابق را نادیده گرفته است که صنایع مس با تحمیل محدودیت‌های زیاد بر آناکاندا و عدم ارائه خدمات پشتیبانی مورد نیاز، در واقع مانع اجرای تعهدات موضوع قرارداد کمک‌های فنی توسط خواهان شد. کینگ نامه‌ای در توصیف این موانع در آن زمان نوشت که شایسته است به تفصیل نقل گردد.

۱۱۲- مدیر داخلی آناکاندا در تعقیب چند اخطار قبلی خود به صنایع مس، در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۵۵ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۶] به آقای توکلی نوشت:

در حال حاضر، عوامل بسیاری وجود دارد که بر توانایی ما در اعمال کنترل مدیریت کافی بر مسئولیتهای محوله اثر می‌گذارد. عوامل مذکور شامل موضوعاتی است از قبیل: شرح کار تعیین شده، حدود اختیارات، خدمات پشتیبانی، روابط بین ادارات، ارتباطات (الکترونیکی و بین ادارات)، روابط

انسانی و نیاز به افراد ماهر.

تا به امروز به ما اختیار داده نشده است که در بسیاری از تاسیسات و پروژه‌های پشتیبانی، که تاثیر مهمی در تکمیل به موقع و منظم پروژه [اصلی] دارند نظارت و هماهنگی لازم را معمول داریم.

محدودیت‌های شدیدی نسبت به اختیارات مدیر پروژه شما برقرار شده که با مقدار مسئولیتی که احساس می‌کنیم به ما محول شده سازگار نیست. برای مثال در زمینه‌های مدیریت قرارداد، حمل و نقل، تدارکات، عملیات بندری، تامین بودجه، محاسبه قیمت تمام شده، حفاظت، روابط کارگری، استخدام، آموزش و بسیاری مسایل دیگر که در تکمیل موفقیت‌آمیز این برنامه کلی مهندسی و ساختمانی تاثیر عمده‌ای دارند، چندان فرصت اظهار نظر به ما داده نمی‌شود و کنترلی بر هیچیک از آنها نداریم. در اثر محدودیت اختیارات، کلیه پیمانکاران اصلی و فرعی که در محل اجرای پروژه به کار اشتغال دارند مجبورند برای کسب مجوز یا انجام تغییراتی که در تامین مقاصدشان حایز اهمیت است به دفتر سرچشمه در تهران یا دفتر معاون مدیر عامل مراجعه نمایند. در بسیاری از موارد من نه در جریان تشکیل جلسات قرار می‌گیرم و نه محتوا و نتیجه آنها به من اطلاع داده می‌شود. در چنین اوضاع و احوالی هر مدیر پروژه‌ای حیثیت خود را در محل کار از دست می‌دهد و نمی‌تواند نقشی موثرتر از نقش بازرس ایفا کند.

برای بخش ساختمان، خدمات پشتیبانی عملاً موجود نبوده است. ما ساعت‌های بی‌شمار از وقتمان را صرف پیگیری اطلاعات مربوط به درخواست‌های خرید، نیازمندیهای پرسنلی، نیازهای تعمیر و نگهداری، سرویس تجهیزات و امثال آن می‌کنیم، ولی در اکثر موارد به یادداشتها و نامه‌های ما پاسخ داده نمی‌شود. به درخواستهای مصالح و تجهیزات ترتیب اثر داده نمی‌شود و بسیاری اوقات به دلخواه لغو یا بدون نظر ما تقلیل داده می‌شوند. به نیازهای خدماتی ما با تاخیر بیش از حد پاسخ داده می‌شود. بطور کلی، کمک‌هایی را هم که دریافت می‌کنیم، بصورتی ناقص، با مدیریت ضعیف و سازمان نیافته عرضه می‌شود و جوابگوی ما نیست. نابسامانی کلی وضعیت خدمات پشتیبانی تاثیر شدیدا "فلج کننده‌ای در نظارت موثر این پروژه می‌گذارد.

روابط اداری بین بخشهای مختلف سازمان سرچشمه خوب توصیف نشده و در نتیجه موجب بروز مباحثات زیاد و تداخل مسئولیت‌ها و اختیارات می‌شود. تا این تاریخ نه یک نمونه از نمودار سازمانی مجتمع مس سرچشمه را دیده‌ام و نه از موقعیت سازمانی بسیاری از پرسنل اداری که من باید برای دریافت خدمات و اطلاعات با آنها کار کنم اطلاع دارم. تاکنون نتوانسته‌ام دستورالعملی در مورد خط مشی یا شرح وظایف، جز آنچه که خود برای بخش تحت سرپرستیم تهیه کرده‌ام، دریافت نمایم. مطمئناً بسیاری از کسانی که با آنان کار می‌کنم از حدود مسئولیت و اختیار من یا مسئولیت و اختیاری که معمولاً به مدیر پروژه واگذار می‌شود بی‌اطلاع‌اند و در نتیجه، به دستورات مدیر پروژه ترتیب اثر نمی‌دهند و خود این عامل نیز بر مدیریت

صحیح پروژه‌ای به این پیچیدگی اثری زیانبار دارد.

وضع ارتباطات در داخل مجتمع یا ارتباطات از خارج با مجتمع معدن و بالعکس بسیار اسفناک است. بسیاری از این مسائل ارتباطی اشکالاتی است که در سطح کشور وجود دارد و لذا رفع آنها بسیار مشکل است. معیذا خیلی از مسائل مزبور معلول فقد مدیریت و برنامه‌ریزی دراز مدت و صحیح است ما بارها و بارها درخواست افزایش تعداد خطوط تلفن کرده‌ایم. (از مجموع حدوداً ۵۰ خط تلفن) پارسونز- جوردن دو خط و ما یک خط تلفن داریم که باید از طریق آنها برنامه توسعه عظیمی را اجرا نماییم. روش ارسال اطلاعات از محل معدن سرچشمه از طریق تلکس دفترمان در تهران نیز به کندی و با زحمت صورت می‌گیرد.... سرویس پست به تهران بسیاری اوقات بی‌نهایت کند بوده است.... آثار این محدودیت‌ها شدیداً محسوس است و پس از گذشت سه سال از فعالیت این مجتمع نباید آنها را قابل تحمل دانست.

آقای توکلی! برخورد با مساله روابط انسانی در این مجتمع تا امروز بسیار بد بوده است.... استقبال از اشخاص در بدو استخدام و هدایت شغلی آنان در مجتمع خوب نبوده است افراد مامور از خارج در اینجا با یک سلسله عوامل مایوس‌کننده مواجه می‌شوند که از حد مورد انتظار برای یک شهرک دور افتاده به مراتب بیشتر است. تلاش برای یافتن محل سکونت امری مستمر است و تازه پس از واگذاری واحد مسکونی کاشف به عمل می‌آید که کاملاً مباه و مجهز نیست و نیاز به تعمیر اساسی دارد. رسیدگی و نگهداری شهرک عملاً وجود خارجی ندارد. پرسنل تعمیرات به فرض که یافت شوند غیرقابل اعتماد، ناوارد و خود سر هستند و به هیچوجه جوابگوی نیازمندیها نیستند.... عدم امکان خرید میل و اثاثه مورد نیاز نیز بر وخامت اوضاع می‌افزاید....

من موضوع روابط انسانی را در این گزارش از این نظر طرح کردم که در روحیه کارمندان خارجی ما در مجتمع و به تبع آن مستقیماً بر پیشرفت سازنده و بهبود وضع این پروژه تاثیر می‌گذارد.... لطفاً توجه داشته باشید که وقتی پرسنل مجتمع مقدار زیادی وقت و انرژی خود را فقط صرف تلاش معاش و فراهم آوردن وسایل زیست نمایند به همان نسبت از میزان تلاشی که باید برای کار محوله به عمل آورند کاسته می‌شود. اگر کار این پروژه تازه شروع شده بود و در مرحله ابتدایی اشغال محل اجرای پروژه بودیم، وجود بسیاری از مشکلات فوق‌الذکر قابل درک بود، ولی بعد از گذشت سه سال که در مجتمع هستیم، استمرار این مشکلات قابل توجیه نیست.

بطور خلاصه، سعی کرده‌ام جدی بودن بسیاری از مشکلات مربوط به توسعه و ساختمان و راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری این پروژه پیچیده و نقشی را که پرسنل مامور آناکاندا برای همکاری موثر در این امر برعهده دارند، خاطر نشان سازم. در حال حاضر، بسیاری از کارمندان شاغل در قسمت‌های

اداری و خدماتی اداره مرکزی فاقد تجربه لازم برای ساخت و تعمیر و نگهداری و راه اندازی مجتمع معدنی به این عظمت هستند و از طرف دیگر ، پرسنل کمک های فنی مامور از طرف آناکاندا برای رفع اغلب مشکلات موجود اختیار یا نفوذی بسیار محدود دارند. ما برای تامین مایحتاج انسانی اولیه خود نه وسیله ای در دست داریم و نه اختیاری. در نتیجه، تحت شرایط کنونی قادر نیستیم مساعدت و مدیریت و مشاوره خود را به نحوی چنان موثر عرضه کنیم که بر تکمیل این پروژه به ارزانه ترین و کارآمدترین طریق ممکنه اثر مطلوب داشته باشد. با در نظر گرفتن کلیه شرایط فوق الذکر، تجسم اینکه چگونه می توان مدیران مجرب مامور به پروژه را مسئول تکمیل موفقیت آمیز ماموریت محوله دانست، مشکل خواهد بود.

در خاتمه، به اعتقاد من بسیاری از مشکلات مذکور در بالا، اساساً از دو عامل مهم ناشی می شوند. عامل اول سپردن مشاغل حساس و امور خدماتی به افراد بی تجربه است و عامل دوم بافت سازمانی است که اختیارات مدیر پروژه و سایر پرسنل مامور را به شدت محدود کرده است. چنانچه صنایع ملی مس ایران مایل باشد پرسنل مامور آناکاندا تجربیات قبلی خود را بنحو بهتری بکار گیرند و در تضمین تکمیل موفقیت آمیز این پروژه موثرتر واقع شوند، لازمست در نظام سازمانی تغییراتی داده شود.

۱۱۳- لیکن پیداست که هشدارهای آناکاندا اثر مورد نظر را نبخشید. یادداشت داخلی مورخ سوم اسفند ۱۳۵۵ [۲۲ فوریه ۱۹۷۷] آناکاندا حاکی از آنست که موقعیت خواهان برعکس ضعیف تر هم شد. در این نامه ضمن تکرار بسیاری از نظرات آقای کینگ و اظهار مطالب دیگر، آمده است:

ایفای تعهدات قراردادی آناکاندا به دلایل متعددی که بعضی از آنها در زیر مورد بحث قرار می گیرد، کماکان بسیار مشکل است:

کار آناکاندا با مانع روبروست و در بسیاری موارد، به دلیل فقد اختیار برای اخذ تصمیمات اساسی، بی حاصل است. آناکاندا وظیفه دارد اقداماتی را پیشنهاد کند، لیکن صنایع مس کلیه اختیارات لازم برای تصویب تصمیمات معمولی را به خود اختصاص داده است چنانچه صنایع مس عوامل پشتیبانی لازم را فراهم نکند، آناکاندا نمی تواند وظایف خود را آنطور که باید و شاید انجام دهد. بی تصمیمی صنایع مس و مهیا نبودن عوامل پشتیبانی، قدرت آناکاندا را در اجرای تعهداتش شدیداً تضعیف کرده است....

هرگاه صنایع مس در خواست کند، آناکاندا موظف است ... عده ای افراد واجد شرایط تامین نماید... هر چند که در حال حاضر ۶۲ نفر کارمند به صورت مامور در اختیار پروژه قرارداد دارند، آناکاندا برای پذیرش پیشنهادات خود توسط صنایع مس با تاخیرهای طولانی بین ۳ تا ۵ ماه مواجه

شده است. چنین تاخیرهایی سبب شده است که متقاضیان واجد شرایط در محل دیگری قبول خدمت کرده از دست بروند.

موجود نبودن مسکن مناسب امکان جذب عده بیشتری پرسنل مامور را از بین برده است

سیستم تلفن موجود، گهگاه به مدت چند روز قطع می شود. حداکثر یک یا دو دستگاه تلفن برای تماس با تهران وجود دارد و برقراری ارتباط از تهران با سرچشمه میسر نیست.

آناکاندا چندین برنامه جامع آموزشی جهت تصویب تسلیم کرده، اما هیچیک از آنها توسط صنایع مس تصویب نشده تا به مرحله اجرا گذاشته شود. فردی به عنوان مدیر آموزش به پروژه مامور شده، ولی صنایع مس تقاضای ما را برای گزینش و استخدام پرسنل جهت تکمیل کادر آموزشی رد کرده است....

مدیریت صنایع مس آنطور که باید و شاید متوجه عظمت و پیچیدگی این پروژه نیست ... شخصی که در حال حاضر سمت معاونت مدیر عامل پروژه را برعهده دارد، و قرار است مدیر عامل بشود، مطلقاً شایستگی تصدی مسئولیت های این پست را ندارد. وی در رشته معدن یا متالورژی هیچ آموزشی ندیده و تجربه ای ندارد.... نمودار سازمانی به کرات نادیده گرفته شده یا مورد بی توجهی واقع شده است. سلسله مراتب فرماندهی که برای هر سازمان با مدیریت صحیح امری حیاتی است، عملاً چندان رعایت نمی شود.

در خاتمه این یادداشت، اخطار شده است که : "با سازمان مدیریت فعلی پروژه سرچشمه را نمی توان بطور موثر تکمیل کرد و در تاریخ مقرر در برنامه به مرحله تولید رساند.... ضرورت دارد که صنایع مس در مورد درخواست های ما برای تدارک عوامل پشتیبانی، فعالانه تر عمل نماید." نکته مهم اینکه در یادداشت مزبور راه چاره دیگری به این ترتیب پیشنهاد شد: "آناکاندا می تواند پیشنهاد کند که صنایع مس قرارداد مدیریتی تصویب کند که متضمن اجازه مدیریت تکمیل تمامی پروژه باشد."

۱۱۴- آناکاندا در گزارش بعدی خود به تاریخ ۱۶ شهریورماه ۱۳۵۶ [هفتم سپتامبر

۱۹۷۷] در همین زمینه اعلام می دارد: "چندان تغییری در جهت بهبود صورت نگرفته است. گزارش مزبور اشعار می دارد که مشکلات فنی و عملیاتی و ساختمانی پروژه از "معضلات غیرقابل حل" مرتبط با پشتیبانی اداری و خدماتی ناشی می شوند. "مدیران ایرانی علاقمندند کنترل کامل و نظارت مستقیم بر پروژه را (حتی بدون

مشورت) به خود اختصاص دهند،" در حالیکه "عظمت و پیچیدگی قضیه را درک نمی‌کنند،" و "دانش یا تجربه مقابله با مشکلات را ندارد." در همین گزارش هشدار داده شد که : موقعیت مدیر داخلی آناکاندا "همچنان ضعیف تر و ضعیف‌تر می‌شود، مگر آنکه آناکاندا در مقابل این سیر قهقرایی موضع محکمی اتخاذ کند و علاوه بر آن، در جهت اعاده موقعیت خود به صورتی که در شرایط قرارداد کمک‌های فنی توصیف شده و منظور نظر بوده، قاطعانه اقدام نماید." آناکاندا از این نیز فراتر رفته، در این گزارش حتی پیشنهاد کرد: "چنانچه در این کار توفیق حاصل نشد،" آناکاندا ناچار است "با استناد به قصور صنایع مس، از قرارداد کمک‌های فنی کناره‌گیری نماید."

۱۱۵- آقای کینگ طی نامه مورخ چهارم دیماه ۱۳۵۶ [۲۵ دسامبر ۱۹۷۷] خود به رئیس آناکاندا شکایت کرد که : "در ترتیب دادن جلساتی با دکتر ضرغامی [مدیر عامل صنایع مس] برای بحث پیرامون مسایل متعددی که بایستی مورد توجه قرار می‌گرفت، توفیق چندانی حاصل نشده است." در همان نامه، آقای کینگ اضافه کرد: "نتیجتاً برای حل مسایل اساسی، رهبری قاطعی به عمل نمی‌آید و این بنوبه خود، موجب مشکلات جدی فنی و محیط‌زیست و تاخیرات غیرضروری می‌شود." مدیر داخلی آناکاندا اظهار داشت که مثلاً، "در مورد پروژه پالایش مواد هیچ پاسخی از دکتر ضرغامی دریافت نکرده‌ایم. با مشاهده وضعیت، حدس می‌زنم که وی مشغول تشکیل کادر برای خود [صنایع مس] است تا بدون نیاز به مساعدت آناکاندا، کار پروژه را ادامه دهد." آقای کینگ همچنین شکایت نمود که : "به این درخواست آناکاندا پاسخی داده نشده ... که عنوان پست مدیر داخلی باید بصورت صحیح (نه با نام جدیدی که صنایع مس بر آن نهاده) مورد استفاده قرار گیرد و این دفتر مستقیماً به مدیر عامل صنایع مس گزارش دهد. کلیه این ترتیبات بطور کامل در قرارداد کمک‌های فنی تشریح شده است."

۱۱۶- آقای کینگ در نامه خود اضافه کرد: ضمن اینکه موقعیت آناکاندا روز به روز ضعیفتر می‌شود، صنایع مس دخالت خود را در امور توسعه می‌دهد. به طوریکه مدیر داخلی آناکاندا گزارش داد:

مسلم شده است که مدیرعامل جدید بیش از پیش علاقمند است که با نمایندگان پارسونز- جوردن در ارتباط با کلیه وظایف محوله به آن شرکت رابطه اداری مستقیم برقرار کند. از من و پرسنل بخش ساختمان به ندرت برای شرکت در جلساتشان دعوت می‌شود. بدیهیست این رویه موجب تضعیف کارآیی بخش ساختمان می‌شود که باید با نمایندگان پارسونز- جوردن کار کنند. مضافاً اینکه مدیر عامل عده زیادی کارمند بسیار تحصیلکرده ولی بی‌تجربه گرد خود جمع کرده و ترجیح می‌دهد موضوعات مهم کاری را با آنها درمیان بگذارد. به نظر می‌رسد که همین افراد مسئولیت‌های عمده تکمیل پروژه‌های جنبی از قبیل سد رسوبگیر، کانالهای دفع مواد زائد، نیروگاه توانیر و غیره را به عهده گرفته باشند. در این خصوص، هیچ خط مشی یا دستورالعملی به من داده نشده و دفتر ما از لحاظ مسئولیت واقعی خود در این امور تا حدی دچار سردرگمی شده است.

۱۱۷- آقای کینگ مدیر داخلی پروژه، در پایان دوره ماموریتش طی نامه مورخ ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [هشتم فوریه ۱۹۷۸] بالاجبار چنین نتیجه‌گیری کرد: "در تحقق اهداف واقعی قرارداد کمک‌های فنی چندان توفیقی حاصل نشده است." برابر اظهار آقای کینگ، "شرکت مس برای طفره رفتن از تعهدات قراردادی، عنوان سازمانی [وی] را به معاونت مدیر سرچشمه تغییر داده ... و بدین ترتیب، مقدار زیادی مسئولیت و عملاً تمامی احترام و اختیارات آن سمت، سلب شده که به نوبه خود، باعث بلااثر شدن کامل آن گردیده است." مدیر داخلی آناکاندا با اشاره به اینکه "اقدامات مدیر عامل جدید نشان می‌دهد که وی علاقمند است کار پروژه را تماماً از تهران اداره کند،" پیش‌بینی کرد که: "نحوه عملکرد کنونی وی [مدیر عامل جدید] برای پروژه فاجعه به بار خواهد آورد."

۱۱۸- محدودیت‌هایی که بدینسان به خواهان تحمیل شد، با تعهداتی که صنایع مس به موجب ماده ۳ قرارداد کمک‌های فنی برعهده گرفته بود، مغایر است. طبق ماده

مزبور، صنایع مس موظف بود "قدرت و اختیار لازم را به مدیر داخلی تفویض نماید تا وی بتواند وظایف خود را بنحو مفید و موثر و سریع انجام دهد." (بنگرید به: بند ۲۷ بالا). همچنین، قصور صنایع مس در فراهم کردن خدمات پشتیبانی مورد نیاز، با تکلیف وی به شرح مندرج در ماده ۸ قرارداد کمک‌های فنی مغایرت دارد که طبق آن، صنایع مس مکلف گردید "کلیه وسایل و تسهیلات کافی دیگری را... که در ارتباط با طرح یا عملیات آناکاندا بر طبق قرارداد ضروری باشد، فراهم آورد، تا آناکاندا و کارکنانش بتوانند وظایف خود را انجام دهند." همان مآخذ.

۱۱۹- با ذکر این سابقه، دیوان به تجزیه و تحلیل ادعاهای متقابل صنایع مس خاتمه می‌دهد و ضمن جمع بندی ملاحظات اساسی مذکور در بالا، متذکر می‌شود که گرچه در قرارداد کمک‌های فنی نقش ستادی مهمی به آناکاندا تفویض شده، مسئولیت طراحی و اجرا و تکمیل واقعی کار مجتمع ذوب و تغلیظ به پارسونز- جوردن محول شده بود. سایر امور طراحی و ساختمانی به پیمانکاران مختلف ایرانی و خارجی واگذار شده بوده است. خواننده که نتوانسته هیچ مدرکی از دوره اجرای قرارداد دریافت ادعاهای خود تسلیم کند، اعتراف می‌کند که در طول دوره مزبور هیچگاه به عملکرد خواهان اعتراض عمده‌ای نکرده است. صنایع مس وجوه لازم را منظمًا به آناکاندا پرداخت نموده و عملاً از کار آن شرکت تقدیر کرده است. در این رابطه، دیوان به آراء^۶ مورد اشاره در بندهای ۶۷ تا ۷۰ بالا ارجاع می‌دهد. مدارک متعددی خلاف اظهارات صنایع مس را دایر بر اینکه آن شرکت از وجود مشکلات کلاً بی‌اطلاع بوده ثابت می‌کند. در واقع، این آناکاندا بود که توجه صنایع مس را به اغلب مشکلات سرچشمه جلب کرد. نکته حایز اهمیت اینکه صنایع مس تا قبل از ثبت پاسخ خود به ادعایی که آناکاندا علیه آن شرکت طرح کرده بود، همواره پیمانکار اصلی پروژه را مسئول می‌دانست و در حقیقت، پارسونز- جوردن نیز تا حدود زیادی این مسئولیت را قبول کرده بود. سوابق همچنین دلالت بر سلسله عوامل موثر دیگری دارد که خارج از اختیار آناکاندا بوده و بسیاری از آنها به خود صنایع

مس قابل انتسابند. و بالاخره، خواننده بر خلاف تعهدات قراردادی "عمل" مانع اجرای وظایف قراردادی خواهان شده است. با در نظر گرفتن تمامی این اوضاع و احوال، دیوان به این نتیجه می‌رسد که در سوابق مبنای کافی برای پذیرش ادعاهای متقابل خواننده وجود ندارد. (۱۸)

پنجم - پرداخت

۱۲۰- بطوریکه در بند ۳ بالا گفته شد، دیوان ایفای هرگونه تعهد پرداخت را از جانب صنایع مس تا تعیین تکلیف نهایی ادعاهای متقابل توسط دیوان به بعد موکول کرده بود. بنگرید به: بند ۸۶ قرار اعدادی شماره ۳ - ۱۶۷ - ۶۵ که در 13 Iran-U.S. C.T.R. at 220 به چاپ رسیده است. اینک که ادعاهای متقابل رد شده، تعهد خواننده به پرداخت محکوم به که در قرار اعدادی مقرر گردید، از تاریخ ثبت حکم نهایی حاضر آغاز می‌شود. بنگرید به: بند ۱۵۶ همان مآخذ که در 13 Iran- U.S. C.T.R at 238-39 به چاپ رسیده است.

۱۲۱- در خصوص پرداخت بهره، که صدور رای نهایی در مورد آن هم به بعد موکول شده بود، همین نتیجه‌گیری مصداق می‌یابد. بنگرید به: بند ۱۵۲ همان مآخذ که در 13 Iran - U.S. C.T.R at 238 به چاپ رسیده است. دیوان به تصمیماتی که قبلاً راجع به این موضوع اتخاذ کرده، ارجاع می‌دهد. بندهای ۱۵۱-۱۳۵ همان مآخذ که در 13 Iran-U.S. C.T.R at 233-38 به چاپ رسیده است.

(۱۸) با توجه به یافته دیوان، نیازی به بررسی درخواست خواننده در مورد نصب کارشناس برای ارزیابی خساراتی که خواننده حسب ادعا متحمل شده، نمی‌باشد. بنگرید به: بند ۹ قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵ که در 13 Iran - U.S. C.T.R at 202 به چاپ رسیده است.

برای تکمیل محاسبه بهره متعلقه نسبت به مبلغ ۴،۲۲۷،۶۴۹/۵۰ دلار که باید بوسیله خواننده پرداخت شود، دیوان براساس اطلاعات دریافتی از چیس منهن بنک (نشنال اسوسی ایشن)، نرخ بهره متوسط ممتاز مورد عمل آن بانک را از تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۹ [۱۱ خردادماه ۱۳۵۸] لغایت تاریخ ختم نهایی پرونده حاضر ۱۱/۱۶ درصد محاسبه کرده که برابر قرار اعدادی، ۲ درصد باید به آن اضافه شود. در خصوص مبلغ ۸۸،۶۶۹/۵۷ دلار که صنایع مس متعهد به پرداخت آن نیز هست، نرخ بهره متوسط ممتاز مورد عمل چیس منهن بنک (نشنال اسوسی ایشن) که از تاریخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] لغایت تاریخ ختم نهایی پرونده حاضر محاسبه شده، ۹/۰۶ درصد است که ۲ درصد باید به آن نیز اضافه شود.

ششم - هزینه‌ها

۱۲۲- در تاریخ ۲۸ آبانماه ۱۳۶۴ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۵] خواهان ادعایی به مبلغ ۴۲۵،۷۳۹/۹۴ دلار بابت حق الزحمه وکلا و مخارجی که تا تاریخ دهم خردادماه ۱۳۶۴ [۳۱ مه ۱۹۸۵] در ارتباط با این پرونده متحمل شده بود، نزد دیوان به ثبت رساند. نسخ صورتحساب های مربوط به این هزینه‌ها پیوست ادعاست. در قرار اعدادی، دیوان تصمیم گرفت که صدور رای در مورد هزینه‌های مورد مطالبه را به مراحل بعدی رسیدگی موکول کند. بند ۱۵۴ همان مآخذ، که در 13 Iran- U.S. C.T.R at 238 به چاپ رسیده است. آناکاندا طی اظهاریه‌ای که در تاریخ هفتم دیماه ۱۳۶۶ [۲۸ دسامبر ۱۹۸۷] به ثبت رساند، علاوه بر رقم فوق‌الذکر، مبلغ ۶۱۴،۳۰۷/۴۴ دلار بابت حق الزحمه وکلا و مخارجی که در فاصله ۱۱ خردادماه ۱۳۶۴ [اول ژوئن ۱۹۸۵] تا نهم آذرماه ۱۳۶۶ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۷] متحمل شده بود، مطالبه کرد. خواهان ضمن تسلیم نسخه‌ای از صورتحسابهای مربوطه، همچنین خواستار بازپرداخت مبلغ ۲۵۲،۱۲۹/۶۱ دلار شد که برای تهیه گزارش‌های کارشناسی و ترجمه لوایح صرف کرده بود.

۱۲۳- در تاریخ ۱۶ خردادماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئن ۱۹۸۸] نماینده رابط ایران اظهاریه‌ای به ثبت رساند و طی آن با درخواست "نامعقول و نامتناسب" خواهان مخالفت کرد. نماینده رابط مزبور این نظر ایران را تکرار کرد که بابت هزینه‌های داوری دعاوی مطروح در دیوان نباید حکمی صادر شود و از دیوان درخواست نمود که در صورت رد این نظر، حکمی به مبلغ ۵۸۲،۰۴۲/ـ دلار بابت هزینه‌های خوانده به نفع وی صادر کند. صنایع مس در تاریخ ۱۶ خردادماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئن ۱۹۸۸] اظهاریه‌ای به ثبت رساند که گواه بر هزینه‌های مختلف وکلا، هزینه کارشناسی و سایر هزینه‌هایی است که جمع آن به رقم فوق‌الذکر بالغ می‌شود. در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۶۷ [۲۱ ژوئیه ۱۹۸۸] آناکاندا پاسخی تسلیم و طی آن استدلال کرد که شایسته است دیوان حکم به پرداخت هزینه به نفع دادبرده صادر کند و اضافه نمود که با توجه به اوضاع و احوال این پرونده، مبالغ مورد درخواست آناکاندا معقول و متناسب است.

۱۲۴- با توجه به نتیجه پرونده حاضر و با اعمال ضوابط مقرر در ص ۳۸-۳۵ حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۷ ژوئن ۱۹۸۵] صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینکوریپتید و دولت جمهوری اسلامی ایران که در 8 Iran-U.S. C.T.R at 298, 323-24 به چاپ رسیده، به نظر دیوان معقول است که مبلغ ۷۰،۰۰۰/ـ دلار بابت هزینه‌های داوری به نفع خواهان حکم داده شود.

هفتم - حکم

۱۲۵- بنابه دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم می‌دهد:

الف - ادعاهای متقابل خوانده، شرکت ملی صنایع مس ایران، مردود اعلام می‌شود.

ب - پیرو قراراعدادی صادره در پرونده آناکاندا - ایران، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، قراراعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵ مورخ ۱۹ آذرماه ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶]، خوانده، شرکت ملی صنایع مس ایران مکلف است مبالغ زیر را به آناکاندا - ایران، اینک بپردازد:

یک) مبلغ چهار میلیون و دویست و بیست و هفت هزار و ششصد و چهل و نه دلار و پنجاه سنت (۴،۲۲۷،۶۴۹/۵۰ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ سیزده و شانزده صدم درصد (۱۳/۱۶٪) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ خردادماه ۱۳۵۸ [اول ژوئن ۱۹۷۹] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر نماید،

دو) مبلغ هشتاد و هشت هزار و ششصد و شصت و نه دلار و پنجاه و هفت سنت (۸۸،۶۶۹/۵۷ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ یازده و شش صدم درصد (۱۱/۰۶٪) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند،

سه (مبلغ پنج میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و چهار دلار
(۵،۹۹۹،۹۹۴/- دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪)
در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ خرداد ماه ۱۳۵۸ | اول ژوئن
۱۹۷۹ | لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب
تضمینی را به بانک امین صادر نماید و

چهار) مبلغ دویست و بیست و هفت هزار و یکصد و سی و نه دلار و بیست
سنت (۲۲۷،۱۳۹/۲۰ دلار) بابت بهره متعلقه تا تاریخ دهم خردادماه
۱۳۵۸ | ۳۱ مه ۱۹۷۹ |.

ج) خواننده، شرکت ملی صنایع مس ایران، مکلف است مبلغ هفتاد هزار دلار (۷۰،۰۰۰/-
دلار) بابت هزینه‌های داوری به آناکاندا - ایران، اینک بپردازد.

د) تعهدات مذکور در بالا با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ
۲۹ دیماه ۱۳۵۹ | ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ | دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفا
خواهد شد.

ه) سایر ادعاها و ادعاهای متقابل کلاً "مردود اعلام می‌شوند.

بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی، به ریاست دیوان تسلیم می‌شود.

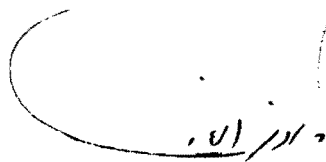
لايه، به تاريخ ..۲۱.. ديمه ۱۳۷۱ برابر با ۱۱ ژانويه ۱۹۹۳



گایانو آرانجو- روئیتس

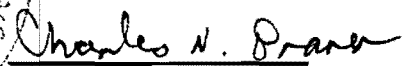
رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف



چارلز ان . براونر